

تبیین «قربات» به مثابه «اعتبارِ محوری» در مدیریت اسلامی*

مصطفی‌الهدی باقری

استادیار دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق علیه السلام. تهران. ایران.

mesbab@yahoo.com

مهدی سپهری

استادیار دانشکده الهیات، معارف اسلامی و ارشاد دانشگاه امام صادق علیه السلام. تهران. ایران.

mahdi.sepehri@yahoo.com

جواد آزادی احمدآبادی

دانشجوی دوره دکتری رشته مدیریت دولتی گرایش تصمیم‌گیری و خط‌نمودی گذاری عمومی و پژوهشگر
مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام. تهران. ایران. (نویسنده مسئول)

ja.azadi@isu.ac.ir

چکیده

مسئله پژوهش حاضر از تدقیق در اثرات فروکاهش مبانی انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی در تئوری سازمان و مدیریت غربی نشست می‌گیرد. بر این اساس، با رهگیری این فروکاهش در مبانی، نشان داده می‌شود که «قربات» به عنوان داعی‌اصلی و اعتبارِ محوری در دیدگاه‌های سه‌گانه مدرن، نمادین تفسیری و پست‌مدرن مطرح است. در ادامه با رویکرد موضوع‌شناسی فلسفی، و با استفاده از روش‌های متناسب با ساحت‌گوناگون تحقیق در حوزه اعتباریات و شیوه تحلیل مضامون، به شناسایی و معرفی قربات به مثابه اعتبارِ محوری در مدیریت اسلامی پرداخته می‌شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در اندیشه اسلامی، کمال حقیقی، قرب به خدای متعال است که از مسیر ولایت‌پذیری انسان کامل محقق می‌شود.

* این مقاله با هماهنگی دبیرخانه دائمی کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی در فصلنامه شماره چهارم تحقیقات بنیادین علوم انسانی منتشر شده است.

و در ظاهر این قرب، هسته اصلی تعاملات اجتماعی بر محور قربت خانوادگی است. با کشف اعتبار «قربت» به عنوان اعتبار محوری، در ساحت ساخت یکی از نمونه‌های منتج از محوریت قربت تفریع خواهد شد و در ساحت تغییر به تبیین اثرات آن در طرح سازمان و با سه مؤلفه پیچیدگی، رسمیت و تمرکز پرداخته خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت اسلامی، رقابت، ادراکات اعتباری، قربت محوری، قرب، بذل بی‌دریغ.

۱. بیان مسئله

گستره نگاه‌های گوناگون در نظریه سازمان، اعم از اثبات‌گرایی، تفسیرگرایی و پست‌مدرنیسم (هج^۱، ۱۳۸۹)، نمودار تنواع پاسخ‌هایی است که در تبیین سازمان ارائه شده است (مکولی، جانسون و دوبرلی^۲، ۱۳۸۹: ص ۵۷). بیش از هر چیز، تفاوت و تعارض این دیدگاه‌ها از حوزه‌های روش‌شناسی و معرفت‌شناسی آغاز و نمایان می‌شود و درباره هستی‌شناسی^۳، به معنای عمیقی که در اندیشه اسلامی بحث می‌شود، غفلت ورزیده می‌شود. حال آنکه در فلسفه اسلامی، آغاز و مبدأ بحث از حوزه هستی‌شناسی است. نگارنده در تعقیب علت این تفاوت، به نقطه‌های آغازین در شکل‌گیری مفاهیمی نظری سازمان و مدیریت رهنمون می‌شود؛ پس از واکاوی ریشه‌های این تفاوت، نارسایی مبنایی پاسخ‌هایی روشن می‌شود که تاکنون در تبیین سازمان ارائه شده است و در مقابل تلاش می‌شود تا تبیینی اسلامی از سازمان کشف و ارائه شود. در ادامه شرح تفصیلی مسئله ارائه می‌شود.

۱-۱. فروکاوش هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی در پارادایم غربی
در عصر حاضر، هنگامی که براساس مبانی اولمانیسم، اصالت به انسان داده شد؛ غایت بشر، منفعت شخصی حداثتری قرار گرفت و آنگاه که ماوراء الطبيعه کنار گذاشته شد، این منفعت به

1. Hatch

2. Macaulay, Johnson, Duberley

۳. البته به اعتقاد نگارنده، تفکیک جهان‌بینی اسلامی به حوزه‌های «منفک از هم» نظری انسان‌شناسی، هستی‌شناسی و... موجب انحراف می‌شود و اگر این تفکیک در مقاله ذکر می‌شود با تساهل و تسامح و با هدف توضیح جایگاه بحث و قابلیت مقایسه با نظریات رقیب است.

عالیم طبیعت محدود شد (حبیبی، ۱۳۹۰: صص ۲۱-۱۵). در همین راستا مفهوم متعالی عقلانیت^۱ به عقلانیت خودبنیاد^۲ فروکاسته شد و از آنجا نیز به عقلانیت ابزاری^۳ و پس از آن، به عقلانیت عمومی و به تعبیر دقیق‌تر به فهم عرفی^۴ معطوف شد، به طوری که درباره حقانیت ارزش‌ها و اعتباریات آدمی ساکت شده و آن را به امیال خودمحور افراد انسانی^۵ واگذاشت (پارسانیا، ۱۳۸۹: صص ۶۶-۵۵)؛ درواقع، این فروکاهش که در حوزه هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی بر جمیع شئون فرهنگ و تمدن غرب سایه ضلالت افکند، به لحاظِ تئوریک انعقادگاه نطفه علم مدیریت به معنای غربی آن است.

۱-۲. اثرات فروکاهش هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی پارادایم غربی بر علوم

اصالت یافتن امیال خودمحور افراد انسانی و کنار نهاده شدنِ ماوراء‌الطبیعه، تأثیرات بنیادی در علوم داشت:

۱-۲-۱. در موضوع علوم: علوم براساس موضوع خود به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند:

الف- علومی که موضوع آنها موجوداتی است که صرف نظر از اراده انسانی وجود دارند. از این دسته علوم در ادبیات اسلامی با عنوان حکمت نظری یاد می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ب: ص ۱۲۲). گزاره‌های این علوم هستاری است (پارسانیا، ۱۳۹۱: ص ۳۴).

ب- علومی که موضوع آنها موجوداتی است که در وجود خود قائم به اراده و آگاهی انسانی است؛ از این دسته علوم با عنوان علوم انسانی و در ادبیات اسلامی با عنوان حکمت عملی یاد می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ب: ص ۱۲۲). گزاره‌های این علوم بایستاری (پارسانیا، ۱۳۹۱: ص ۳۴) و از سخن ادراکات اعتباری است (طباطبایی و مطهری، ۱۳۷۲ الف: ص ۴۷).

در حوزه علوم نظری، از وجود متعالی و مطلق حق تعالی تا جلوات آن در سراسر عوالم

1. Intellectualism
2. Realism
3. Instrumental Reason
4. Common sense
5. Individualism

چشم‌پوشی شد و تنها عالم ماده و طبیعت، موضوع این علوم قرار گرفت. ضمناً آنکه اصالت امیالِ دانی‌آدمی، سبب سلط محوری غایاتِ علوم طبیعی شد. مسئله اصالتِ فرد انسانی آن‌چنان پیش روی کرده که امروزه علوم نظری تا حد علوم عملی فروکاهیده شده، تا آنجاکه آدمی حتی از حقیقتِ هستی‌های مستقل از وجود انسان دور شده است و خود را آفریننده علم می‌داند^۶ (حبیبی، ۱۳۹۰: صص ۲۲-۱۵).

در حوزه علوم عملی که موضوع آن کنش‌های ارادی و آگاهانه انسان است (پارسانیا، ۱۳۹۱: ص ۲۴)؛ اولاً، اراده‌آدمی به تمدنی افراد انسان‌غیری معطوف شده است و ثانیاً، آگاهی نیز با غفلت از عوالم مثل، عقل، قلب و ... تنها به عالم طبیعت محدود شده است. کما اینکه در بیانی از حضرت امام صادق علیه السلام آمده است (کلینی، ۱۳۶۲: ص ۴۴): «الْعِلْمُ مَفْرُونٌ إِلَى الْعَمَلِ فَمَنْ عَلِمَ عَمِلَ وَ مَنْ عَمِلَ عَلِمَ».

درواقع، محدودیتِ علم به عالم طبیعت، محدودیتِ عمل در گستره طبیعت را به دنبال دارد و از طرف دیگر، محدودیتِ عمل در گستره طبیعت، علم محدود به این عالم را به دنبال دارد.

۱-۲-۲. در روش علوم

با حذف شدن حوزه متافیزیک از گزاره‌های هستاری عالم و غلبه حس‌گرایی در قرن نوزدهم، میان علم^۷ و معرفت^۸ تمایز ایجاد شد و علم، دانشی تعریف شد که از طریق تجربه به دست می‌آید و معرفت به هر نوع آگاهی اطلاق شد که از غیرتجربه به دست آید (مصطفایی، ۱۳۸۵: صص ۱۶-۲۳).

اگرچه روش تحقیق، مبتنی بر موضوع تحقیق است (طباطبایی و مطهری، ۱۳۷۲: ج ۲۳)، مبانی معرفت‌شناسختی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارند (پارسانیا، ۱۳۹۱: ص ۴۹). در ابتدای دوره

۶. آیت الله جوادی آملی در خصوص موضوع علم می‌فرمایند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: صص ۱۳۵-۱۳۶): «در سیری افقی به راه خود ادامه می‌دهد؛ نه برای عالم و طبیعت مبدئی می‌بیند و نه غایت و فرجامی برای آن در نظر می‌گیرد و نه دانشی که خود دارد عطای خدا و موهبت الهی می‌باید. این نگاهی که واقعیت هستی را مُثُله می‌کند و طبیعت را به عنوان خلقت نمی‌بیند و برای آن خالق و هدفی در نظر نمی‌گیرد، بلکه صرفاً به مطالعه لاشه طبیعت می‌پردازد و علم را زایده فکر خود می‌پنداشد نه بخشنش خدا. در حقیقت علمی مردار تحويل می‌دهد، زیرا به موضوع مطالعه خویش به چشم یک مردار و لاشه می‌نگرد، چون بال مبدأ فاعلی و نیز بال مبدأ غایی از آن کنده شده است».

7. Science
8. Knowledge

مدرن با توجه به سایه سنگین پوزیتیویست‌ها بر سر جامعه علمی^۱، روش تجربی نه تنها مبنای تحقیق در علوم طبیعی، در علوم انسانی نیز قرار گرفت.

در اوایل قرن بیستم و با روشن شدن محدودیت‌های شناخت تجربی، روش تحقیق در علوم انسانی به‌سوی تفہم و ادراک معانی کنش‌های انسانی کشیده شد؛ هرچند تا قبل از ظهور انتقادیون، علوم انسانی با روش‌های تفہمی نیز در جهت ساماندهی معانی و مفاهیم، بر قاموس شاخص‌های تجربی و با هدف پیش‌بینی و کنترل کنش‌های انسانی بود. به تدریج با فاصله‌گرفتن علوم انسانی از روش‌های تجربی در انتهای قرن بیستم، انتقادیون با روش‌هایی فراتر از روش تجربی و با کنارگذاشتن رویکرد صرفاً ابزاری به علوم انسانی، به دنبال داوری ارزش‌ها و هنجارهای نظمات انسانی و اجتماعی رفتد.

۱-۳. ظهور علم مدیریت

در دوره مدرن، غاییات علوم، تسلط فرد انسانی بر عالم طبیعت قرار گرفت. به همین جهت علوم، سمت و سویی ابزاری در راستای نیل به این هدف پیدا کردند. تجلی چنین رویکرد هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی با انقلاب صنعتی رخ کرد. با پیشرفت‌های فرد انسانی در تسلط بر عالم طبیعت و در پرتو انقلاب صنعتی، مسائل مستحدثه‌ای شکل گرفت (رضائیان، ۱۳۸۷: ص ۳۵) که در پاسخ به آنها مفاهیمی چون مدیریت، سازمان و ساختار وضع^۲ شد و معنا یافت و در واقع، این مسائل موجب پیدایش «علم» مدیریت با هدف بهره‌وری شد (رضائیان، ۱۳۸۷: ص ۴۱).

موضوع علم مدیریت، شناخت کنش اجتماعی انسانی است (مکولی، جانسون و دوبرلی، ۱۳۸۹: صص ۱۴-۱۵) و کنش اجتماعی انسانی عبارت است از فعالیتی که انسان با نظر به جامعه و با اراده و آگاهی انجام می‌دهد. ارادی بودن کنش انسانی بر هدفمند بودن آن دلالت دارد و هدفمندی به انضمام آگاهی، دلالت بر معناداری کنش دارد (پارسانیا، ۱۳۹۱: صص ۲۸-۲۳)؛ بنابراین، علم مدیریت در زمرة علوم انسانی و حکمت عملی قرار می‌گیرد و گزاره‌های آن از سinx باستانی و ادراکات اعتباری هستند.

۱. دکتر حسن دانایی فرد از این اثر سایه سنگین پوزیتیویست‌ها، به دیکتاتوری شیوه تعبیر می‌کند و می‌گوید (نیomon، ۱۳۸۹: ص ۱۹): «دیکتاتوری شیوه مرتكب گناهی به مراتب بزرگ‌تر از دیکتاتورهای سیاسی می‌شوند، زیرا اینان از تراوش ذهن ممانعت می‌کنند و آنان از تراوش زبان».

2. Enactment

۱-۴. رهگیری فروکاهش هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی در پارادایم مدیریت غربی

با استناد به طبقه‌بندی هچ^۱ (هچ، ۱۳۸۹) از تنوع نظریات در حوزه سازمان، می‌توان به سه گروه اصلی ۱. کلاسیک و مدرن، ۲. تفسیری و نمادین و ۳. پست‌مدرن اشاره کرد.

۱-۴-۱. دوره مدرن

ضلالت و رنجشی که مدیریت در دوره مدرن متحمل می‌شود، مربوط به فروکاهش هستی‌شناختی غرب به عالم طبیعت و فروکاهش معرفت‌شناختی در مرتبه عقلانیت ابزاری و روش حسی است که با هدف تسلطِ حداکثری فرد انسانی بر طبیعت، و در پرتو مفهوم «بهره‌وری» صورت می‌پذیرد.

۱-۴-۲. دوره تفسیری و نمادین

در دوره تفسیری و نمادین، بر فهم و معنایابی کنش انسان تأکید می‌شود؛ درواقع، اگرچه با مدیریت که در زمرة علوم عملی است همچون علوم نظری برخورد نمی‌شود، با این حال تلاش بر این است که روش‌ها و نظریات تفهیمی نیز بر قاموسِ سنجه‌های تجربی و متلائم با نظریات مدرن، استوار شود.

۱-۴-۳. دوره پست‌مدرن

در دوره پست‌مدرن، مسئله داوری ارزش‌ها و هنجارها مطرح می‌شود. نکته در این است که اگرچه مدیریت جایگاه خود را در زمرة علوم عملی می‌یابد، بشر غربی که همه عوالم را تا طبیعت فروکاهیده، به هنگام داوری ارزش‌ها و هنجارها، واقعیتی را ورای آنها نمی‌یابد تا عهدهدار این ارزش‌گذاری شود؛ بهنچار ارزش‌گذاری به امیالِ خود محصور فرد انسانی واگذار می‌شود که جز نسبیت ارungan دیگری برای وی ندارد.

با نگاه به نظریه‌های هر دوره می‌توان اعتبار رقابت را دنبال کرد. بایسته «رقابت» که یک کنش انسانی و مبتنی بر اراده و آگاهی است؛ از هر دو جهت اراده و آگاهی نارسانی دارد؛ اولاً، از بعد هستی‌شناسی در تمامی نظریه‌های مدرن، تفسیری و پست‌مدرن با فروکاهش عوالم هستی به عالم

1. Hatch, Mary Jo

ماده و طبیعت، فرد انسانی اصالت یافت و تسلط بر طبیعت، غایت افراد بشری قرار گرفت، در چنین حالتی بشر مصدق آیه شریفه ۱۵۴ سوره مبارکه آل عمران قرار گرفت: «وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّهُمْ أَنفُسُهُمْ»؛ (وَكَوْهِي [تنها] در فکر جان خود بودند).

با درنظر گرفتن محدودیت‌های عالم غیر مجرد طبیعت - که دار تراحم است (مطهری، ۱۳۷۰: ۹۳) - رقابت بر سر تحصیل و تسلط بر طبیعت، در لباس سرمایه‌داری شکل گرفت؛ همچنین، از بعد معرفت‌شناسی در نظریات مدرن، مفهوم متعالی عقلانیت به عقلانیت ابزاری فرو کاهیده شد و بالطبع آگاهی بشر، معطوف به حس و تجربه شد. در نظریات تفسیریون نیز اگرچه روش‌های دیگر مطرح شد، پافشاری در تلائم با مدرنیست‌ها، آنها را در همان دام رویکرد «شیء‌انگاری»^۱ به پدیده‌های اجتماعی، از جمله رقابت گرفتار کرد؛ این همان چیزی است که مدرنیست‌ها نیز به آن مبتلا بودند و درنهایت، در نظریات پست‌مدرن، اگرچه با روش‌های جدید به سمت انتقاد و ارزش‌گذاری هنجارها و پدیده‌های اجتماعی از جمله رقابت رفته‌اند، به محض اینکه به قدم‌نهادن در ورای پدیده‌های اجتماعی برای ارزشیابی آنها اراده می‌کنند، به خوبی در می‌یابند که هیچ بنای مستحکمی برای داوری وجود ندارد؛ به ناچار عقل عمومی یا فهم عرفی جوامع غربی که صورت نازل‌تری از عقل ابزاری آنها دارد، مبنای ارزش‌گذاری قرار می‌گیرد و بدین ترتیب چهره متزلزل و شکاکانه خود را در پس فهم عرفی توجیه می‌کنند. این مسئله، اعتباریات اجتماعی از جمله رقابت را، بیش از پیش سست می‌کند؛ چراکه موضوع علوم انسانی اعتباریاتی است که بر مبنای اراده و آگاهی انسان است و درنتیجه میان آن اعتبار و شناخت آن اعتبار، دیالکتیکی به وجود می‌آید؛ به این معنا که شناخت انسان از اعتبار، آگاهی او را ارتقا داده و اعتبار جدید مبتنی بر آگاهی جدید شکل می‌گیرد.^۲

درواقع، سؤال این پژوهش از این منظر نمودار می‌شود که اگر «عقل عرفی» و «فهم عمومی» مبنای آگاهی قرار گیرد، اعتباریات و پدیده‌های اجتماعی از جمله اعتبار رقابت، در پارادایم مدیریت غربی تا چه حد معتبر هستند؟ می‌توان گفت در رویکرد مدیریت غربی، با تغافل درباره نارسایی‌های هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی درباره پدیده‌های اجتماعی، با اصرار فراوان - چه در سطح فردی و چه در سطح سازمانی - مفهوم اعتباری «رقابت» که صرفاً

1. Objectivism

۲. کما اینکه حدیث شریف حضرت امام صادق علیه السلام نیز مؤید این معنا است: «الْعِلْمُ مَقْرُونٌ إِلَى الْحَمْلِ فَمَنْ عَلِمَ عَمِيلًا وَمَنْ عَمِلَ عَلِيمًا» (کلینی، ۱۳۶۲: ص ۴۴).

بازتاب شعورِ متعارف است جای حقیقت نشسته و باسته «رقابت» امری محظوظ بهشمار می‌رود. یک فرد و یا یک سازمان، به تفکر در نداشته‌های خود دعوت می‌شوند و در محک با آنچه رقیب اعتبار کرده‌اند، برانگیخته می‌شوند و در این حالت قدر و منزلت هر فرد یا هر سازمان بهقدر رقابت او تعریف می‌شود.

۲. پیشینهٔ پژوهش

با نظر به بیان مسئله و آنچه در پژوهش حاضر مبتنی بر جریان یافتن نظریه ادراکات اعتباری مرحوم علامه طباطبائی در پرتو اعتبار قربات و در گستره سازمان و مدیریت دنبال می‌شود، لازم است تا در چند سطح، سابقهٔ پژوهش بررسی شود:

سطح اول، تحقیقاتی مشابه تحقیق حاضر؛

سطح دوم، تحقیقاتی که با رویکردی اسلامی-فارغ از چگونگی نظر به منبع یا روش اسلامی^۱ - به دنبال طرح اعتباریات در مدیریت بوده‌اند. در این سطح می‌توان پژوهش‌های پیشین را در ساحت کشف، ساخت و تغییر اعتباریات در مدیریت دنبال کرد؛^۲ سطح سوم، تحقیقاتی که در حوزهٔ تبیین قربات صورت گرفته است.

در مورد سطح اول، باید گفت با وجود تحقیقات ارزشمندی که در سطح دوم بدان‌ها اشاره خواهد شد، تاکنون هیچ تحقیقی با توجه به هر سه ساحت کشف، ساخت و تغییر اعتباریات، در حوزهٔ مدیریت و سازمان وجود ندارد. در گران‌مایه‌ترین این آثار و با همه قوت تحقیق در ساحت کشف و ساخت اعتباریات، خلاً توریک در حوزهٔ تغییر اعتباریات به چشم می‌خورد. در بهترین حالت به طرح سؤالاتی از چیستی تغییر اعتباریات مدیریت غربی در ابتدا بر اعتبار جدید منبعث از منبع و روش معرفتی اسلامی بسند شده است و یا طرح جامعه آرمانی را گریزگاهی برای فرار از ساحت تغییر در اعتباریات موجود و توقف در ساحت کشف قرار داده‌اند.

بدون شک نگارنده این پژوهش نیز ادعای تحقیقی جامع در سه ساحت ذکر شده را ندارد اما از طرف دیگر - در یک رویکرد آسیب‌شناسانه به گفتمان مدیریت اسلامی - به جد معتقد است که عدم توجه نظاموار به هر سه ساحت، موجب خلاً علمی یا عملی شده است؛ به بیان دیگر، در

۱. شایان ذکر است این دوگان بر نظر نگارنده در حوزهٔ سنجش‌شناسی پژوهش‌های اسلامی در حوزهٔ مدیریت دلالت ندارد.

۲. ساحت سه‌گانه ذکر شده ناشی از رویکرد موضوع‌شناسی است که در بخش روش تحقیق تبیین خواهد شد.

ضعیفترین این آثار بدون توجه به جنبهٔ تکوینی ساحت کشف در اعتباریات، تلاش می‌شود تا صرفاً با استفاده از منابع دینی به جنبهٔ تدوینی اعتباریات دست یابند و در قوى ترين اين آثار محققان در دو ساحت کشف و ساخت اعتباریات متوقف می‌شوند. حال آنکه این سؤال مطرح است که چگونه جامعه‌ای که حیات نظام عملی خود را در اعتبار اعتباریات مدیریت غربی می‌یابد، می‌تواند خود را در معانی جدید معتبر یابد؟ به عقیده نگارنده میراث علم و دانش اسلامی در ساحت کشف، آن چنان غنی از مبانی در حوزهٔ تکوین و قوت منابع در حوزهٔ تدوین است که باید تمرکز اصلی محققان در تکیه به این میراث عظیم و جریان معارف تدوینی و تکوینی به ساحت ساخت و تغییر اعتباریات باشد.

در سطح دوم، با وجود محدود کردن اعتباریات در حوزهٔ سازمان و مدیریت نیز می‌توان به آثار کثیری اشاره کرد که مبتنی بر چگونگی نظر به مبانی اعتباریات، در ساحت کشف، و کیفیت و جامعیت در ساحت ساخت، گسترهٔ متنوعی دارد. به عنوان نمونه - صرف نظر از ارزشیابی - می‌توان به آثار زیادی اشاره کرد که در ساحت کشف و جنبهٔ تدوین، از حوزهٔ تشریعی به تحقیق پرداخته‌اند. این آثار با موضوعاتی نظیر مطالعهٔ تطبیقی و ظایف مدیریت در قرآن کریم (نجات‌بخش اصفهانی و شهریاری، ۱۳۸۸)؛ پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی (مصطفی‌یزدی، ۱۳۸۵)؛ قدرت در مدیریت اسلامی (نادری قمی، ۱۳۷۸)؛ اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن (نقی‌پورفر، ۱۳۷۷الف)؛ بررسی شخصیت اهل‌بیت در قرآن (نقی‌پورفر، ۱۳۷۷ب)؛ تشویق و تنبیه در اسلام (سید علی‌پور، ۱۳۸۳)؛ آسیب‌شناسی پژوهش‌های انجام‌شده در زمینهٔ مدیریت اسلامی (سهرابی و همکاران، ۱۳۹۰)؛ تحلیل محتواهای ادبیات مدیریت اسلامی (خنیفر، ۱۳۸۴ب)؛ اوصاف مدیر (کشوری، ۱۳۷۱) و آثار متعدد دیگری که در این زمینه براساس عهدنامهٔ مالک اشترا و نهج‌البلاغه (احسانی، ۱۳۷۹؛ اعتمادی و فاضلی کبریا، ۱۳۸۸؛ اعرافی، ۱۳۸۰؛ بشیر، ۱۳۸۵؛ تقوی رفسنجانی، ۱۳۸۰؛ ثوابت، ۱۳۸۱؛ حق‌پناه، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰؛ خزرعلی، ۱۳۸۱؛ خنیفر، ۱۳۸۴الف؛ دلشداد تهرانی، ۱۳۸۸؛ رحمانی، ۱۳۷۹؛ رستمیان، ۱۳۷۹؛ فلاح سلوکلایی، ۱۳۸۴؛ کریمی، ۱۳۸۱؛ ماندگار، ۱۳۷۹؛ محسنی، ۱۳۸۴؛ مشتاق، ۱۳۸۵؛ ناصری، ۱۳۸۱؛ نوایی، ۱۳۸۲)؛ الگوی اسلامی ارتباطات با مشتری مبتنی بر رابطهٔ اخوت (محمدی، ۱۳۹۲)؛ نقش رهبری اسلامی

در اداره شرکت (عباسی،^۱ ۲۰۰۸)؛ مذهب به عنوان استراتژی وحدت (عاشور^۲ و برهان الدین،^۳ ۲۰۱۱)؛ رویکردهای مذهبی در مدیریت دانش (حیدر نقوی،^۴ کنوال^۵ و محمد عثمان،^۶ ۲۰۱۲)؛ ارزش‌های اسلامی در مدیریت (مازلیزا،^۷ آزلینور^۸ و نورالسیاح،^۹ ۲۰۱۳)؛ دیدگاه دینی در کارآفرینی و صنعتی شدن (محی الدین،^{۱۰} ۲۰۱۳)؛ مکانیسم‌های کنترلی (محی الدین،^{۱۱} ۲۰۱۳) و مبانی مدیریت زمان (محمد،^{۱۲} ندیم،^{۱۳} مبین،^{۱۴} ۲۰۱۱) تحریر شده است.^{۱۴}

همچنین، آثاری که در ساحت کشف و جنبه تدوین و از حوزه عرفی به تحقیق پرداخته‌اند، مانند بررسی شایستگی‌های مدیریت (بابایی،^{۱۵} وظیفه دمیرچی^{۱۶} و شریفی،^{۱۷} ۲۰۱۲)؛ ارتقای انگیزش شغلی مدیران (اسکندر زاده،^{۱۸} فرج اللہی،^{۱۹} نصیری^{۲۰} و معینی‌کیا،^{۲۱} ۲۰۱۱)؛ مدیریت منابع اسلامی (حقو،^{۲۲} حصمت،^{۲۳} مفیضور رحمان الازھری،^{۲۴} ۲۰۱۳)، رضایت شغلی کارآفرینان

1. Abbasi
2. Achour
3. Borehannoeddin
4. HaiderNaqvi
5. Kanwal
6. Muhammad Usman
7. Mazliza
8. Azlinor
9. Nor Asiah
10. Mohiuddin
11. Muhammad
12. Nadeem
13. Mobeen
14. شایان ذکر است مقالاتی چون (امیری، ۱۳۸۶)، (ازگلی و عابدی جعفری، ۱۳۸۷)، و (چاوشی، ۱۳۸۸) تلاش در طبقه‌بندی و مرور بر مقالات در حوزه مدیریت اسلامی داشته‌اند
15. Babaei
16. VazifehDamirchi
17. Sharifi
18. Eskandarzadeh
19. Farajollahi
20. Nasiri
21. Moeni Kia
22. Hoque
23. Hasmat
24. MofizurRahman Al-Azhari

(رفیکی^۱ و عبدالوهاب،^۲ ۱۳۹۰) بیشتر ناظر به روش‌های پیمایشی است. در ساحت کشف و حوزه تکوین نیز منابع فلسفی، معرفتی و هستی‌شناختی اسلامی غنی از معارف است و آن هنگام نیز که سخن درخصوص نظریه ادراکات اعتباری مرحوم علامه طباطبائی باشد – اگرچه از نظریات متأخر و ابتکاری ایشان است – اتقان در مبانی نظریه، غنای لازم را به دست می‌دهد (هوشنگی، ۱۳۹۰). از آنجاکه پژوهش‌حاضر با مفروض گرفتن نظریه ادراکات اعتباری به دنبال بحث درجه دوم در این مورد نیست، نمی‌توان آثاری را که در موضوع نظریه ادراکات اعتباری نگاشته شده است به عنوان پیشینه این پژوهش در نظر گرفت اما بدون شک بهره‌برداری از این آثار، به غنای پژوهش کمک خواهد کرد. بر این اساس، به آثاری اشاره خواهد شد که بیشتر به دنبال ساحت ساخت و با تکیه بر ساحت کشف – صرف نظر از چگونگی پرداخت به جنبه تکوین و تدوین – بوده‌اند. با تساهل و تسامح می‌توان آثاری با موضوعات مطالعه تطبیقی مدیریت اسلامی و مدیریت غربی رایج (بهارستان، ۱۳۸۳)؛ نظام ارزشی در مدیریت اسلامی و دیگر مکاتب (فروزنده دهکردی و ملائی، ۱۳۸۸)؛ در جست‌وجوی پارادایمی برای مدیریت دولتی (کلاتری و دانایی‌فرد، ۱۳۷۸)؛ تحلیل جایگاه ارزش‌ها در مدیریت (توكلی، ۱۳۹۱)؛ مدیریت اسلامی؛ رویکردی فقهی و اجتهادی (امیری، ۱۳۸۸)؛ تحلیل مبادی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی عدالت در اندیشه استاد شهید مطهری (پیغامی، ۱۳۸۷)؛ پیش‌فرض‌های معرفت‌شناسی در مدیریت اسلامی (گایینی، ۱۳۸۲)؛ مبانی جهان‌بینی، شناخت‌شناسی و انسان‌شناسی مدیریت اسلامی (آرنی احمد، ۱۴۰۲) و طراحی مسئولیت اجتماعی سازمان (محمد زمانی، ۱۳۹۲) را نام برد.

در سطح سوم باید به آنچه درباره تبیین قرابت انجام شده است اشاره کرد: به لحاظ واژه‌شناسی کهن‌ترین لغتنامه شیعی یعنی کتاب العین (قرن دوم ه.ق) در مدخل قرب معنای قرابت را معادل تقرّب، نزدیکی و وصول به حق دانسته است (فراهیدی، ۱۴۱۰ ه.ق). با درنظر گرفتن این معنا از قرابت، گستره عمیق و وسیعی از منابع اسلامی ذیل این عنوان قرار می‌گیرد؛ بدین جهت تنها به ذکر چند نمونه از مطالعات بسنده می‌شود: تحلیل معناشناختی قرب (علی خانی، ۱۳۸۹؛ مصباح، ۱۳۹۰)؛ الگوهای عملی تقرب به خداوند (مصطفی، ۱۳۹۱)، تعریف و تبیین معانی

1. Rafiki
2. AbdolWahab
3. Azni Ahmad

قرب در آیات کلام الله مجید (طباطبایی، ۱۳۷۴ج: ص ۲۰۷) و درنهایت، آیت الله مصباح یزدی نیز با برشمودن معانی مختلف قرب، سخن از تحرید معنای مادی و محسوس قرب و لزوم محوریت قرب در مدیریت اسلامی به میان آورده‌اند. در این تقرب به کمال، علم و اراده که مبنای عمل آدمی است از مراتب عالی هستی نشئت خواهد گرفت (مصطفی یزدی، ۱۳۸۵: صص ۱۸۰-۱۶۰).

۳. روش تحقیق

تحقیق حاضر مبتنی بر رویکرد «موضوع شناسی فلسفی»^۱ است. در ادامه به اجمال درباره چیستی و چرایی این رویکرد بحث خواهد شد و چگونگی آن در قالب بخش گردآوری داده‌های تحقیق معرفی خواهد شد.

۳-۱. چرایی و چیستی «موضوع شناسی فلسفی» تحقیق

فلسفه که به شناخت مطلق وجود می‌پردازد^۲ (طباطبایی، ۱۳۸۶: ص ۶) در موضوع خود، اعم از موضوعات سایر علوم است^۳ (طباطبایی، ۱۳۸۰: ص ۵) و بدین جهت، علمی آزاده از نیاز به سایر علوم است^۴ (شیرازی، ۱۳۸۵: ص ۵) و این سایر علوم^۵ هستند که در نیاز به اثبات موضوع خود، دست به سوی فلسفه دراز دارند^۶ (طباطبایی، ۱۳۸۰: ص ۵).

۱. رویکرد موضوع‌شناسی فلسفی طی مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی آثار مدیریت اسلامی در پرتو تبیین چیستی، چرایی و چگونگی روش موضوع‌شناسی فلسفی در برابر روش مرور موضوعی» در دومین کنگره بین‌المللی علوم انسانی و اسلامی، تهران (۱۳۹۲) ارائه و تبیین شد. البته نگارنده به تمایزات میان روش، رویکرد، روش‌شناسی، شیوه و رویه، نیز معانی مختلفی که برای «روش» به کار گرفته می‌شود التفات دارد و استفاده از واژه «روش» برای «موضوع‌شناسی فلسفی» و «مرور موضوعی» با تساهل و سامح بوده است.

۲. «الْحِكْمَةُ الْإِلَهِيَّةُ عِلْمٌ يَبْعَثُ فِيهِ عَنِ الْأَحَوَالِ الْمُوجُودِ بِمَا هُوَ مُوجُودٌ وَ مُوْضُوعُهَا الَّذِي يَبْعَثُ فِيهِ عَنِ أَعْرَاضِهِ الْذَّاتِيَّةِ هُوَ الْمُوجُودُ بِمَا هُوَ مُوجُودٌ وَ غَایَتَهَا مَعْرِفَةُ الْمُوجُودَاتِ عَلَى وَجْهِ كُلِّيٍّ وَ تَمِيزُهَا مِمَّا لَيَسَ بِمُوجُودٍ حَقِيقِيًّا» (طباطبایی، ۱۳۸۶: ص ۶).

۳. «أَنَّ الْفَلَسَفَةَ أَعْمَلُ الْعِلُومِ جَمِيعًا لِأَنَّ مُوْضُوعَهَا أَعْمَلُ الْمُوْضُوعَاتِ» (طباطبایی، ۱۳۸۰: ص ۵).

۴. «هَذَا الْعِلْمُ عِلْمٌ حَرْ مُطْلَقٌ عَنِ الْإِفْتَارِ إِلَيْهِ وَ التَّعْلِقُ بِمَا سِواهُ وَ سَائِرِ الْعِلُومِ بِمَنْزِلَةِ الْعَبِيدِ وَ الْخَدَامِ لِهَذَا الْعِلْمِ» (شیرازی، ۱۳۸۵: ص ۵).

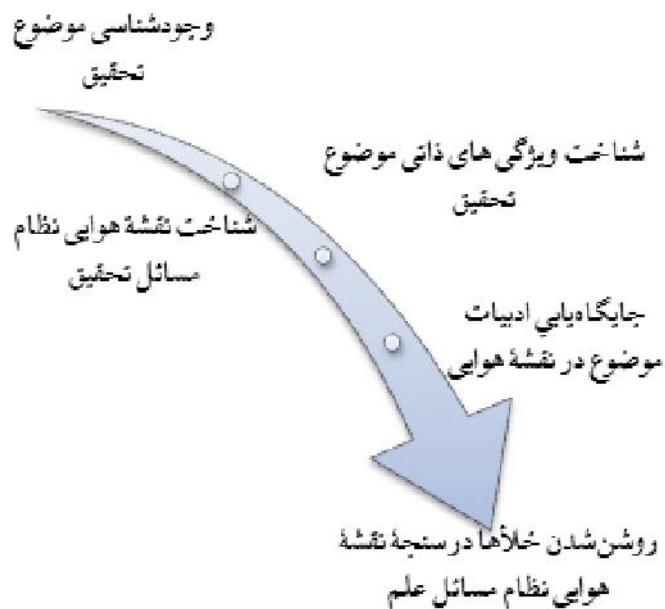
۵. البته صرف نظر از اختلاف موضوعی فلسفه و عرفان که موضوع عرفان وجود واحد شخصی است و موضوع فلسفه وجودی است که دارای کثرت تبیینی و تشکیکی است (جوادی آملی، ۱۳۸۶ج: ص ۳۵۱).

۶. «فَالْعُلُومُ جَمِيعًا تَوَقَّفُ عَلَيْهَا فِي ثَبُوتِ مُوْضُوعَاتِهَا وَ أَمَّا الْفَلَسَفَةُ فَلَا تَوَقَّفُ فِي ثَبُوتِ مُوْضُوعَهَا عَلَى شَيْءٍ مِّنِ الْعُلُومِ فَإِنَّ مُوْضُوعَهَا الْمُوجُودُ الْعَامُ الَّذِي تَتَصَوَّرُهُ تَصَوَّرًا أَوْلَيًا وَ نَصَدِقُ بِيُوْجُودِهِ كَذَلِكَ لِأَنَّ الْمُوجُودَيْةَ نَفْسَهِ» (طباطبایی، ۱۳۸۰: ص ۵).

انسان که ذاتاً به دنبال حقیقت است^۱ (طباطبایی، ۱۳۸۶: ص ۶)، با وانهادن اثبات هستی موضوعات علوم جزئی به فلسفه، به بحث درباره ماهیت موضوع علوم جزئی در آن علوم می‌پردازد (جوادی آملی، ۱۳۸۶ الف: ص ۴۱۸).

بر این اساس، موضوع‌شناسی فلسفی علوم - به معنای علوم جزئی - مانند مدیریت، از دو جهت ضرورت دارد: اولاً، اثبات وجود موضوع علم - «بحث درجه دوم از علم» - تنها در عهده فلسفه است و ثانیاً، بحث درجه اول از علوم که به ماهیات موضوع می‌پردازد با غفلت از وجود موضوع، دچار لغزش و انحراف خواهد شد. به عنوان نمونه، غفلت از سinx وجودی موضوع علوم مدیریت که از نوع اعتباریات است موجب شده تا تئوری‌های اثبات‌گرایی^۲ به هنگام بحث درجه اول از مدیریت در دام شیء‌انگاری^۳ گرفتار شوند.

رویکرد «موضوع‌شناسی فلسفی» از بنیان‌های فلسفی آغاز و با شناخت ویژگی‌های ذاتی موضوع علوم، به نقشه‌ای هوایی از نظام موضوعات علم منتهی می‌شود (شکل ۱).



شکل ۱. رویکرد موضوع‌شناسی فلسفی

۱. «أن الإِنْسَان يَجِد مِنْ نَفْسِهِ أَنْ لِنَفْسِهِ حَقِيقَةٌ وَّ وَاقِعَيْهُ وَ أَنْ هُنَاكَ حَقِيقَةٌ وَّ وَاقِعَيْهُ وَرَاءَ نَفْسِهِ وَ أَنْ لَهُ أَنْ يَصِيبُهَا فَلَا يَطْلُبُ شَيْئاً مِّنَ الْأَشْيَاءِ وَ لَا يَقْصِدُهُ إِلَّا مِنْ جَهَةِ أَنَّهُ هُوَ ذَلِكَ الشَّيْءُ فِي الْوَاقِعِ وَ لَا يَهْرُبُ مِنْ شَيْءٍ وَ لَا يَنْدُفعُ عَنْهُ إِلَّا لِكُونِهِ هُوَ ذَلِكَ الشَّيْءُ فِي الْحَقِيقَةِ» (طباطبایی، ۱۳۸۶: ص ۶).

2. Positivism
3. Objectivism

در این رویکرد^۱ علوم براساس موضوع خود به دو دسته کلی نظری و عملی تقسیم می‌شوند و چنانچه در بخش بیان مسئله مطرح شد، موضوع علم مدیریت شناخت کنش اجتماعی انسانی است (مکولی، جانسون و دوبرلی، ۱۳۸۹: صص ۱۴-۱۵)؛ بنابراین، علم مدیریت در زمرة علوم انسانی و حکمت عملی قرار می‌گیرد و گزاره‌های آن از سinx باستانی و ادراکات اعتباری هستند. بنابر رأی مرحوم علامه، اگرچه اعتباریات با تکوینیات رابطهٔ تولیدی ندارند، اعتبار دارای «باعث» و «غایتی» است که آدمی با غایتِ رفع نیاز، آنچه را که متلائم با قوای خود و در مسیر تحقق نیاز در می‌یابد، اراده کرده و اعتبار و جوب می‌بخشد. در چهارچوبِ مبانی هستی‌شناختی اسلامی، عالم و نفسِ آدمی، ذومرات است و هرچه از مراتب دانی به سوی مراتب عالی می‌رویم؛ قوای آدمی به وحدت می‌گراید. بر این اساس، غایت و باعثِ آدمی، مراتب عالی هستی خواهد بود؛ افزون بر اینکه فطرت این انسان در جهت همان غایایات سرشنی شده و نیازهای صادقش با همان غایایات ارضاء خواهد شد (پارسانیا، ۱۳۸۳؛ طباطبایی و مطهری، ۱۳۷۲؛ طباطبایی، ۱۳۸۰، ۱۳۸۶).

بنابراین، در رویکرد موضوع‌شناسی، پژوهش در حوزهٔ مدیریت اسلامی در زمرة ادراکات اعتباری و در سه ساحت خواهد بود و هر ساحت، روش و شیوهٔ تحقیق متناسب با خود را به دنبال خواهد آورد (نمودار ۱).

۱-۱-۳. ساحت کشف

ساحت اول، کشف است که در دو جنبهٔ تکوینی و تدوینی قابل بررسی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: صص ۷-۱۰). جنبهٔ تکوینی ناظر به مبانی و حقایقی است که اعتباریات بر آنها تکیه دارند. روش تحقیق در جنبهٔ تکوینی - که منعکس شده در عقل است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: صص ۳۸-۶۰) - عبارت است از تأویل (طباطبایی، ۱۳۷۴: صص ۳۵-۸۱). جنبهٔ تدوین ناظر به دو حوزهٔ تشریع و عرف است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ص ۷۱). در حوزهٔ تشریع - که منعکس شده در نقل و لسان شارع است - روش تفسیر و به‌طور مشخص، روش تفسیری مرحوم علامه طباطبایی استفاده خواهد شد (جوادی آملی، ۱۳۸۸: صص ۱۶-۷۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: صص ۱-۲۲). روش تحقیق در حوزهٔ عرف، تحلیل و تفہم و با استفاده از عقل عرفی خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۹:

۱. وجودشناسی موضوع تحقیق به‌لحاظ فلسفی.

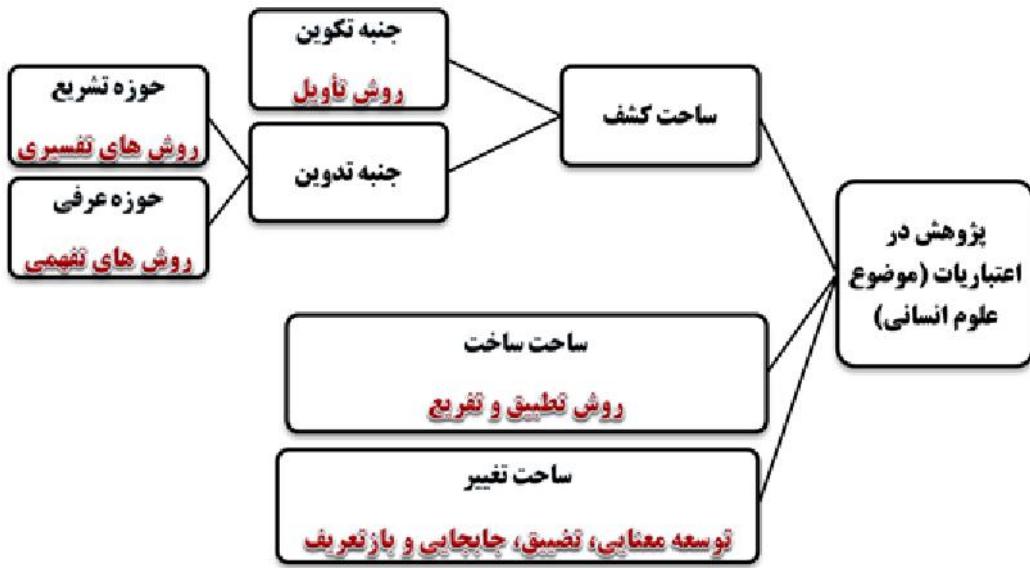
صص ۷۱-۷۲)؛ ابراهیمی‌پور با اشاره به اعتباری بودن علوم اجتماعی در اندیشه علامه طباطبایی، ظرفیت بالای آرای ایشان را در به کارگیری انواع روش‌های تفہمی به اثبات می‌رساند (ابراهیمی‌پور، ۱۳۹۰).

۲-۱-۳. ساحت ساخت

ساحت دوم، ساخت و تأسیس است. در این ساحت با استفاده از تطبیق و تفریع (خسرو پناه، ۱۳۸۶) به ساخت اعتباریات در منظومه‌ای متلائم با اعتبار قرابت به مثابه اعتبار محوری پرداخته خواهد شد. آیت‌الله جوادی آملی کیفیت و شرایط حجیت این روش را تبیین کرده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: صص ۲۱۶-۲۱۷).

۳-۱-۳. ساحت تغییر

مسلمان‌آنچه در علوم انسانی غربی اعتبار شده است، کاذب نیست؛ چراکه در قضایای اعتباری ملاک حقانیت اعتباریات، «اثربخشی» آن است و حال چه بسیارند اعتباریاتی که بشر غربی در پاسخ به نیازهای جهان مادی اعتبار کرده است و صادق است. البته باید توجه داشت که بنابر ماهیت اعتباریات، انتخاب و اعتبار آن با انسان است، اما آثار و لوازم آن به اراده انسانی نخواهد بود؛ به عبارت دیگر، گزاره‌های انسایی، ناگزیر به سوی معانی معده‌ای کشیده می‌شود که شبکه‌ای از معانی، کنش‌ها، هنجارها و رفتارهای مرتبط را شکل می‌دهند. در مدیریت غربی، فرد خودمحور، با توجه به اصالت دادن به اراده خویش، بررسی آثار تکوینی اعتباریات را که از اختیار و اراده خود خارج می‌داند، مورد غفلت قرار داده است. شاید هم آنچنان آثار تلخی را در عرصه فرهنگ و تمدن خود می‌بیند که تغافل را پیشنهاد کرده است. حال پژوهشگر حوزه علوم انسانی و اسلامی با توجه به این دقیقه و نظر به ساحت کشف در سه جنبه تکوین، تشريع و عرف از گرفتارشدن در این دام خواهد گریخت و آنچه از اعتباریات غربی را که خود نیز نیاز به استخدام آن دارد، در پرتو ساحت کشف، تغییر خواهد داد.



نمودار ۱. پژوهش در اعتباریات

۴. گردآوری داده‌ها

در این بخش، نگارنده مبتنی بر روش‌شناسی مطالعاتِ اعتباریات - که در مرحله قبلی از قبیل رویکرد «موضوع‌شناسی فلسفی» محقق شد - به ساحتِ کشفِ اعتباریات قدم می‌نهد و در ادامه با کشف اعتبار («قرابت») به عنوان اعتبار محوری، در ساحت ساخت یکی از نمونه‌های منتج از محوریت قربت را تفریع و در ساحت تغییر به تبیین اثرات آن در طرح سازمان می‌پردازد. ضمناً برای تنظیم گزاره‌های ساحت کشف از شیوه تحلیل مضمون استفاده خواهد شد. شایسته است تا بر روی تمایز میان «رویکرد» موضوع‌شناسی به تحقیق و استفاده از «روش»‌های متناسب با ساحتِ موضوع و «شیوه» تحلیل مضمون برای پیشبرد تحقیق تأکید شود.

تحلیل مضمون، یکی از مهارت‌های عام و مشترک در تحلیل‌های کیفی است (Boyatzis, ۱۹۹۸^۱؛ ص ۴)؛ به همین دلیل، آن را نه روشی خاص بلکه ابزاری مناسب برای روش‌های مختلف معرفی می‌کند. رایان^۲ و برنارد^۳ نیز کدگذاری مضمومین را فرایند پیش‌نیازِ تحلیل‌های اصلی و رایج کیفی

1 . Boyatzis
2 . Rayan
3 . Bernard

معرفی می‌کند تا روشی منحصر به فرد و خاص (دنزین^۱ و لینکلن^۲، ۲۰۰۰). فرایند کامل تحلیل مضمون را می‌توان به سه مرحله کلان تقسیم کرد (جدول ۱):

الف- تجزیه و توصیف متن،

ب- تشریح و تفسیر متن،

ج- ادغام و یکپارچه کردن مجدد متن.

کاربرد شیوه تحلیل مضمون زمانی است که تحلیل‌گر، به دنبال شناخت الگوهایی از معانی و موضوعات در داده‌ها باشد. نقطه پایان این فرایند نیز تهیه گزارشی از محتوا و معانی الگوها و مضماین در داده‌ها است.

جدول ۱. فرایند گام به گام تحلیل مضمون

(عبدی جعفری و دیگران، ۱۳۹۰: ص ۱۷۸)

| مرحله | گام | اقدام |
|----------------------|---|--|
| | آشنا شدن با متن | - مکتوب کردن داده‌ها (در صورت لزوم) - مطالعه اولیه و مطالعه مجدد داده‌ها - نوشتن ایده‌های اولیه |
| ۱- تجزیه و توصیف متن | ایجاد کدهای اولیه و مضماین کدگذاری کدگذاری ویژگی‌های جالب داده‌ها | - پیشنهاد چارچوب کدگذاری و تهیه قالب - تفکیک متن به بخش‌های کوچک‌تر - تطبیق دادن کدها با قالب مضماین |
| | جست وجو و شناخت مضماین | - استخراج مضماین از بخش‌های کدگذاشته متن - پالایش و بازبینی مضماین |
| ۲- تشریح و تفسیر متن | ترسیم شبکه مضماین | - بررسی و کنترل هم‌خوانی مضماین با کدهای مستخرج - مرتب کردن مضماین - انتخاب مضماین پایه، سازمان دهنده ترسیم نقشه‌های مضماین - اصلاح و تایید شبکه‌های مضماین |
| | تحلیل شبکه مضماین | - تعریف و نام‌گذاری مضماین - توصیف و توضیح شبکه مضماین |

| | | |
|--|--------------------|-----------------------------|
| <ul style="list-style-type: none"> - تلخیص شبکه مضماین و بیان مختصر و صریح آن - استخراج نمونه‌های جالب داده‌ها - مرتبه کردن نتایج تحلیل با سوالات تحقیقی و مبانی نظری - نوشتن گزارش علمی و تخصصی از تحلیل‌ها | تدوین گزارش | ۳- ترکیب و ادغام متن |
|--|--------------------|-----------------------------|

نکته بسیار مهم این است که نگارنده با توجه به ادعای مطرح شده در بخش پیشینه پژوهش، مبنی بر ضرورت بهره‌مندی از آثار متخصصان و اندیشمندان معارف اسلامی و هشدار تلویحی به پیامدهای بهره‌جویی ناقص اندیشمندان مدیریتی که در حوزه معارف اسلامی تخصص ندارند - تعقل، تأویل و تفسیر را به آثار اندیشمندان و علمای بزرگ اسلام محول می‌کند.

در واقع، چنانچه در روش‌شناسی مبتنی بر رویکرد «موضوع‌شناسی» به دست آمد، کشف یک اعتبار در معارف اسلامی، در حوزه‌های مختلف و با استفاده از روش‌های مناسب با هر حوزه محقق خواهد شد، نگارنده برای پرهیز از آفات و آسیبی که در حوزه آثار مدیریت اسلامی اشاره شد، از شیوه تحلیل مضمون با دیدگاهی نیابتی استفاده خواهد کرد. منظور از دیدگاه نیابتی آن است که برای گام اول شیوه تحلیل مضمون، که استخراج مضماین است، از مضماینی استفاده می‌کند که علمای بزرگ اسلام مناسب با روش‌های ساحت کشف ارائه می‌دهند. جدول ۲ نشان‌دهنده یک نمونه از این شیوه تحلیل مضمون به اصطلاح نیابتی است که از تفسیر گران‌سنگ المیزان به دست آمده است و به روشنی نشان می‌دهد که استخراج مضماین از آیات و روایات، مستلزم تخصص‌های چندگانه‌ای است که در حقیقت، ضروری است تا متخصصان مدیریت برای پیشبرد حوزه مدیریت اسلامی از علمای بزرگ اسلام چون مرحوم علامه طباطبائی کمک گیرند.

جدول ۲. نمونه استخراج مضامین به شیوه به اصطلاح نیابتی

| مضامین اصلی (کد) | نشانگر | آیه شریفه | ردیف |
|---|---------------------------------|---|------|
| «أَبِئْمُ أَقْرَبَ» بیان وسیله جوین (استناد علامه به هستینی با استناء) | PJ ₁₅ E ₁ | • الإِسْرَاءُ : ٥٧ أَوْلَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَتَّغَرَّبُونَ إِلَى رَبِّهِمْ الْوَسِيلَةُ أَبِئْمُ أَقْرَبُ وَ يَرْجُونَ رَحْمَةً وَ يَخَافُونَ عَذَابَةً إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا | |
| وسیله به معنای تقرب و توسل | PJ ₁₅ E ₂ | | ۵۱ |
| ضرورت توسل و اخذ وسیله در راه تقرب (با استناد به آیه ۳۵ مالده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أَتَّوْا اللَّهَ وَ اتَّهْمُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ») | PJ ₁₅ E ₃ | | |
| نفی استغلال وسیله (اشارة به ادله شرک) | PJ ₁₅ E ₄ | | |

۴-۱. ساحت کشف، جنبه تکوین

ساحت کشف با دو جنبه تکوینی و تشریعی دنبال می‌شود؛ در جنبه تکوینی مدعی است براساس مبانی اومانیسم، زمانی که اصالت به انسان داده می‌شود تدقیق و تحقیق عالمانه و حکیمانه در پرتو «جهانی‌بینی» که به اعتقاد نگارنده «مشتمل» - و نه تفکیک شده - بر حوزه‌های هستی‌شناختی و انسان‌شناختی است در فروکاستی تاریخی به حوزه‌های تفکیک شده هستی‌شناختی، شناخت‌شناسی و روش‌شناسی محول می‌شود؛ آنگاه طی غفلتی مستکبرانه^۱ سخن از شناخت مبدأ و معاد مهم می‌نماید و «عالی دنیا» و «رقابت در تحصیل منافع متلازم با خواهش‌های نفسانی فرد خودمحور غربی» مبنای و غایت نظریه پردازی‌ها قرار می‌گیرد. بر این اساس، ضروری است تا هرگونه تحقیقی در حوزه مدیریت اسلامی بازگشت و نظر به مبدأ و معادی داشته باشد که در آثار مدیریت غربی از آن غفلت شده است. این‌گونه شناخت از مبدأ و مقصد خواهد بود که جایگاه آدمی و نقش کنش‌های اجتماعی وی را در عالم آفرینش تعیین می‌کند.

در این بخش از تحقیق نیز نگارنده برای پرهیز از گرفتارآمدن در نقطه ضعفی که در آسیب‌شناسی

۱. اشاره به آیه شریفه «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِأَدَمَ فَسَاجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسُ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (بقره: ۳۴) دارد. اعتقاد نگارنده در این است که استکبار مراتبی دارد که خروج آدمی و فرد خودمحور غربی از ولایت و تدبیر الهی یکی از شئون و مراتب آن است.

آثار مدیریت اسلامی بدان اشاره شد، از ۳۷ اثر فلسفی و عرفانی^۱ با محوریت شرح فصوص الحکم و همچنین، از پایان نامه آقای خانی^۲ استفاده کرده است که به علت کثرت مستندات مجال ارائه آنها در این مقاله نیست و تنها می‌توان به سیر بحث و ثمرات آن اشاره اجمالی داشت.^۳

بر این اساس، ابتدا به شناخت جایگاه آدم در عالم پرداخته شد و مبدأ و معاد انسان، که خدای متعال در خلقت او آفریده است، تبیین شد. ثمرة سیر در جنبه تکوینی از ساحت کشف این شد که حق تعالیٰ به عنوان تنها مصداقِ حقیقی کمال، یگانه موجودی است که همه کمالاتی که در عوالم گوناگون و به حسب مشاهد و مناظر متفاوت یافت می‌شود، ظهور تفصیلی کمالات او هستند و هر کدام از مخلوقات به اندازه سعه و ظرفیت وجودی خود کمالی از کمالات او را به نمایش می‌گذارند.^۴ این نمایش و ظهور کمالات که در جمیع عوالم و به اندازه بهره‌ای است که موجودات از وجود برده‌اند، موجب پیدایش کثرتی از جلوات حق سبحانه و تعالیٰ می‌شود که خود، مانع شهود حق تعالیٰ به عنوان یگانه مصداقِ حقیقی کمال می‌شود و درنتیجه، وحدت و احاطه قیومی حق تعالیٰ بر این کثرات به حجاب می‌رود و دیگر قابل روئیت نیست.^۵ بر این اساس، در نظام آفرینش باید موجودی به ظهور رسد که با سعه وجودی خود بتواند در عین داشتن همگی این کثرات

۱. ابن عربی (۶۳۸)؛ ابن فارض و فرغانی (۱۳۷۹)؛ ابن فهد حلی (۱۳۸۱)؛ اسکندری (۱۴۲۴)؛ آملی (۱۳۶۸)، ۱۳۸۲، ۱۳۸۲، ۱۴۲۲، ۱۴۲۲ (الف، ب)؛ باب رکنا، مظلومی، همایی (۱۳۵۹)؛ آملی (۱۴۲۲ج)؛ پارسانیا (۱۳۹۱)؛ جامی (۱۳۸۳)، ۱۳۷۰، ۱۳۷۰؛ حسن زاده آملی (۱۳۷۵)؛ خانی (۱۳۹۳)؛ امام خمینی (۱۳۷۰)؛ سبزواری خراسانی (۱۳۸۶)؛ سبزواری (۱۳۷۴)؛ شاه آبادی (۱۳۸۶)؛ شیرازی (۱۳۶۸)؛ عبدالرزاق کاشی (۱۳۶۸)؛ غراب (۱۴۱۴)؛ فانی شیرازی دهدار (۱۳۶۰)، ۱۳۷۱، ۱۳۷۸، ۱۳۷۸)؛ طباطبائی (۱۴۲۸)؛ لاهیجی (۱۳۸۱)؛ محمد زمانی (۱۳۹۲)؛ مهانمی، علی بن احمد (۱۴۲۸)؛ قیصری (۱۳۷۰)، ۱۳۷۵، ۱۳۷۵)؛ میرزا بابا شیرازی (۱۳۶۳)؛ نعمت الله ولی (۱۳۸۰)؛ ابن عربی (۶۳۸).

۲. پایان نامه‌ای با قوت علمی بالا که بخشی از مسیر را پیموده بود؛ البته نگارنده برای حفظ امانت، به طور مستقل در تمامی مستندات پژوهش تحقیق کرده و مستندات بیشتری را گردآوری کرده است.

۳. به علت کثرت منابع و مستندات، از خواننده محترم دعوت می‌شود داده‌های گردآوری شده را در پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و مدیریت بازرگانی دانشگاه امام صادق علیه السلام (۱۳۹۴) و با عنوان همین مقاله دنبال کند.

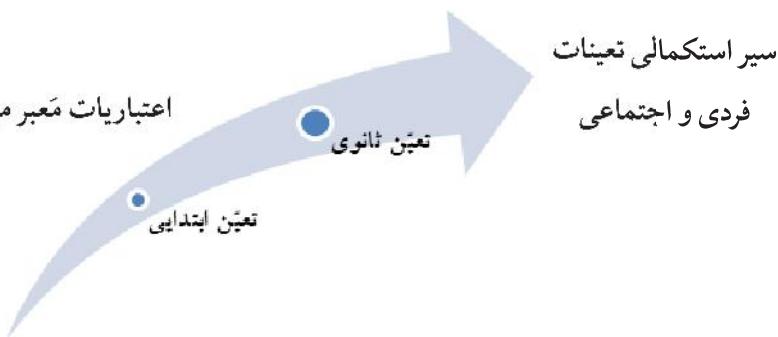
۴. «اعلم أنَّ هَذَا الْوُجُودُ أَوِ الْحَقُّ تَعَالَى الَّذِي ثَبَّ إِطْلَاقَهُ وَبَدَاهَتْهُ وَوُجُوبَهُ وَوَحدَتَهُ، نَقْلًا وَعَقْلًا وَكَشْفًا - لَهُ ظَهُورٌ وَكَثْرَةٌ فِي صُورِ الْمَظَاهِرِ وَالْمَجَالِيِّ، اعْتَبَارًا وَحَقِيقَةً، أَجْمَالًا وَتَفْصِيلًا، وَإِنْ كَانَ لَا كَثْرَةً لَهُ، لَا اعْتَبَارًا وَلَا حَقِيقَةً، لَا أَجْمَالًا وَلَا تَفْصِيلًا، لَأَنَّهُ تَعَالَى مِنْ حَبَّ ذَاتِهِ، مِنْزَهٌ عَنِ جَمِيعِ ذَلِكَ، مُسْتَغْنٌ عَمَّا عَدَاهُ وَإِنْ كَانَ، مِنْ حَيْثِ صَفَاتِهِ وَأَسْمَاؤِهِ وَكَمَالَاتِهِ وَخَصْوَصِيَّاتِهِ، عَيْنٌ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهَا، غَيْرٌ مُسْتَغْنٌ عَنِّهَا» (آملی، ۱۳۶۸: ص ۶۵۹).

۵. ر. ک.: قیصری، داود بن محمود (۱۳۷۵: ص ۶۶۸) ... «أَنَّ كُلَّ مُوجَدٍ بِالنِّسْبَةِ إِلَيْهَا فَانِّيَنَسَهُ أَزْلًا وَأَبْدًا، كَوْجُودِ الْأَعْدَادِ بِالنِّسْبَةِ إِلَيْهِ الْوَاحِدِ مِثْلًا، أَوِ الْأَعْرَاضِ إِلَيْهِ الْجَوْهَرِ، أَوِ الصُّورَةِ إِلَيْهِ الْهَيْوَلِيِّ» (آملی، ۱۳۶۸: ص ۶۶۸).

وجودی و اظهار کمالات به نحو تفصیلی، در او کثرت بر وحدت غلبه نیابد و هم‌زمان جامع مقام وحدت و کثرت باشد و این موجود کسی نیست جز وجود مبارک انسان کامل.

در ادامه به اثبات رسید که ظهور حداکثری کثرات در بستر حیات اجتماعی محقق می‌شود و درنتیجه این حیات اجتماعی است که بستر ظهور مقامات انسان کامل است. همچنین، در صورتی می‌توان از قرب به کمال سخن به میان آورد که جامعه و سازمان، فراتر از امور اعتباری، حقیقتی فراعتباری و اصیل داشته باشد. با تبیین برهانِ اصالتِ حیاتِ اجتماعی، نقش اعتباریات در تحقیق هویتِ وجودی اجتماع مشخص شد. به بیان اجمالی، اثبات شد که مطلق اعتباریات اعم از فردی و اجتماعی، سازوکارِ عملکردی یکسانی دارند و چنین است که همه‌وهمه توسط اراده انسانی به عنوان غایت، جهت ایجابی یافته و آدمی خود را به اقتضای آن غایت (تعین) ملتزم می‌کند؛ از این تعینِ خاصِ اجتماعی با عنوان فرهنگ یاد شده است (پارسانیا ۱۳۹۱؛ محمد زمانی ۱۳۹۲). در بیانی ساده می‌توان این سازوکار را «تلبس به یک تعین خاص» دانست؛ این تعین که همان غایت اعتبار است در پرتویک یا چند اعتبار محقق خواهد شد و پس از تحقق غایت - که در واقع تعین جدیدی است - اقتضایات تعین جدید به نحو ضروری ظهور می‌یابد (شکل ۲).

با این بیان می‌توان آنچه در ادبیات با عنوان آثار تکوینی اعتباریات (پارسانیا، ۱۳۹۱: صص ۲۷-۲۸) مطرح شده است را تبیین کرد.



شکل ۲. کارکرد اعتباریات در هویت اجتماعی

در ضمن، استفاده از نگاره‌ای پیوستارگونه (شکل ۲)، به این سبب است که تحقق یک تعین اجتماعی به نحو تدریجی و یا تشکیکی صورت می‌پذیرد و به تبع آن، اعتباری بودن یا غیراعتباری بودن احکام آن اجتماع نیز متأثر از میزان تحقق آن تعین اجتماعی، «تدریجی» یا «تشکیکی» است و اتحادِ افرادِ متعدد یک اجتماع به میزان ارتباط وجودی آنها با آن تعین اجتماعی، می‌تواند دارای شدّت و ضعف متفاوتی باشد.

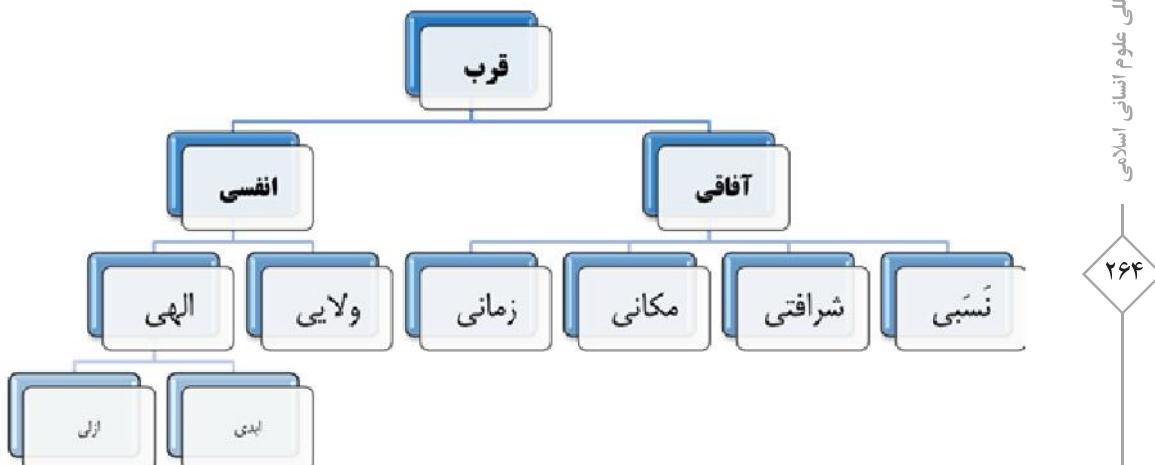
۲-۴. ساحت کشف جنبه تدوین

در این مرحله با تمیک به قرآن و عترت پیامبر اکرم (صلی الله و علیه و آله و سلم) به شناسایی مضماین مرتبط با قربت پرداخته شد.^۱

در بخش اول از مطالعات قرآنی با مرور آیه‌به‌آیه قرآن کریم به استخراج «قربت» و دیگر مشتقات ماده «قَرْبَ» پرداخته شد. پس از احصای ۳۶ صیغه با تکرار ۸۲ مرتبه در مجموع ۹۱ آیه از این ماده، ابتدا به تفسیر ارزشمند المیزان اثر مرحوم علامه طباطبائی مراجعه و نکات تفسیری مربوط به آیات - که در شناخت مفهوم قربت مؤثر است - جمع آوری شد. در مرحله بعد با مراجعه به کتب اربعه و بحار الانوار و شروح و ترجمه‌های آنها به استخراج احادیث تفسیری و نکات مفهوم‌شناسی قرب ذیل هریک از آیات ذکر شده پرداخته شد. ثمرة این بخش ۱۵۶ مضمون شد.

در بخش دوم از مطالعات قرآنی با توجه به اینکه مضماین مرتبط با قرب صرفاً محدود به آیاتی نیست که صیغ این ماده در آنها به کار رفته‌اند، از فرهنگ قرآن استفاده شده و ۶۵ مضمون دیگر فارغ از قید استعمالِ ماده «قَرْبَ» استخراج شد.

همچنین، مطالعه روایی مستقلی در بحار الانوار با کلیدواژه‌های ابتدایی «قربت، قرب، قربان، تقرب اقارب و مقرب» و کلیدواژه‌های ثانوی و مرتبط «آل، اهل، رحم، رهط و عشیره» صورت گرفت و در مجموع ۱۳۶ مضمون از این مطالعه روایی حاصل شد.

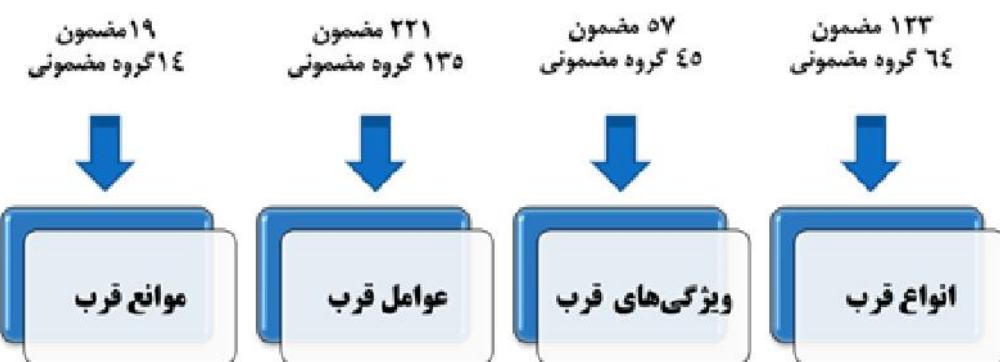


نمودار ۲. مضماین سازمان‌دهنده مستخرج از ساحت کشف، جنبه تدوین

۱. به علت کثرت منابع و مستندات، از خواننده محترم دعوت می‌شود داده‌های گردآوری شده را در پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته معارف اسلامی و مدیریت بازرگانی دانشگاه امام صادق علیه السلام و با عنوان همین مقاله دنبال کند.

در مجموع، پس از استخراج مضامین از آیات قرآن کریم و نیز روایات اهل بیت علیهم السلام، مضامین سازماندهنده (مفاهیم) و مضامین فراگیر (مقولات) مرتبط انتزاع و حاصل شد (نمودار ۲). بر این اساس، انواع قرب در دو مفهوم کلی قرب آفاقی و قرب انسانی نمودار شد؛ قرب آفاقی مشتمل بر چهار نوع قرب زمانی، قرب مکانی، قرب شرافتی و قرب نسبی است و قرب انسانی مشتمل بر دو نوع قرب الهی (اعم از ازلی و ابدی) و قرب انسانی است.

مضامین سازماندهنده (مفاهیم) حاصل، در انتزاعی کلی تر، نمایانگر یکی از مضامین فراگیر (مقولات) انواع، ویژگی ها، عوامل و موانع قرب است که ذکر آنها در این مقاله نمی گنجد (نمودار ۳).

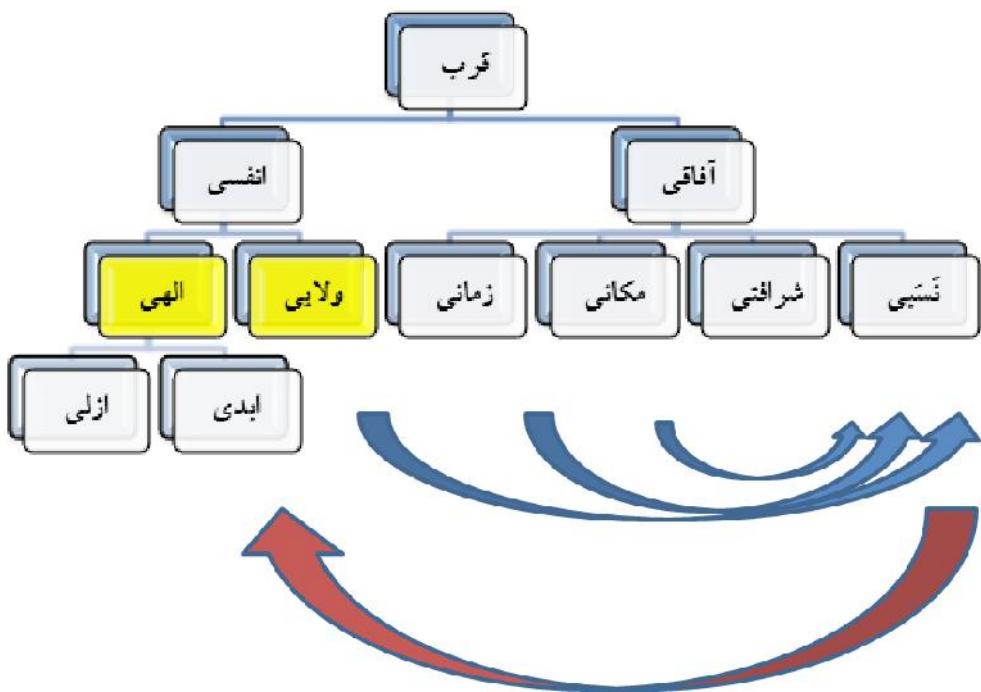


نمودار ۳. مضامین فراگیر مستخرج از ساحت کشف، جنبه تدوین

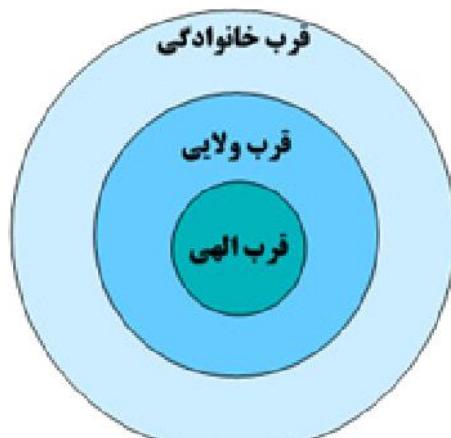
۴-۳. ساحت ساخت و تغییر

اولین فرضیه محصل از تحقیق این است که انواع قرب آفاقی را با توجه به اینکه یک خانواده، قرابت زمانی، مکانی و شرافتی دارند، می توان بر قرب نسبی و خانوادگی محول کرد اما این رابطه برای بقیه اقسام قرب آفاقی امکان پذیر نیست. همچنین، از عوامل و ویژگی های حاصل برای قرب،^۱ می توان گفت قرب خانوادگی نیز به عنوان شاخصه قرب آفاقی، بر قرب انسانی (ولایی) محول می شود (نمودار ۴).

۱. به عنوان نمونه، در موارد متعددی نسبت وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه وآلہ وسلم - که حقیقت قرب انسانی و ولایی هستند - با اجتماع، به مثابه روابط «ابوت» و خانوادگی آمده است.



به بیان دیگر، قرابت به حق سبحانه و تعالی در جهان‌بینی اسلامی در پرتو قرب آفاقی و نفسی محقق خواهد شد؛ قرب آفاقی در هسته اصلی خود قرب خانوادگی و نسبی است که در افقی بالاتر نمایندگی قرب انسانی را خواهد داشت و این قرب انسانی که در پرتو ولایت‌پذیری انسان کامل محقق می‌شود، موجب وصول به حق سبحانه و تعالی می‌شود (شکل ۳).



شکل ۳. مراتب قرب

از ویژگی‌ها و عوامل قرب می‌توان گزاره‌های متعددی را برای تبیین اثرات قربات محوری در عرصهٔ سازمان نتیجه گرفت؛ به عنوان نمونه، یکی از این ویژگی‌های به دست آمده «بذل بی‌دریغ» است.

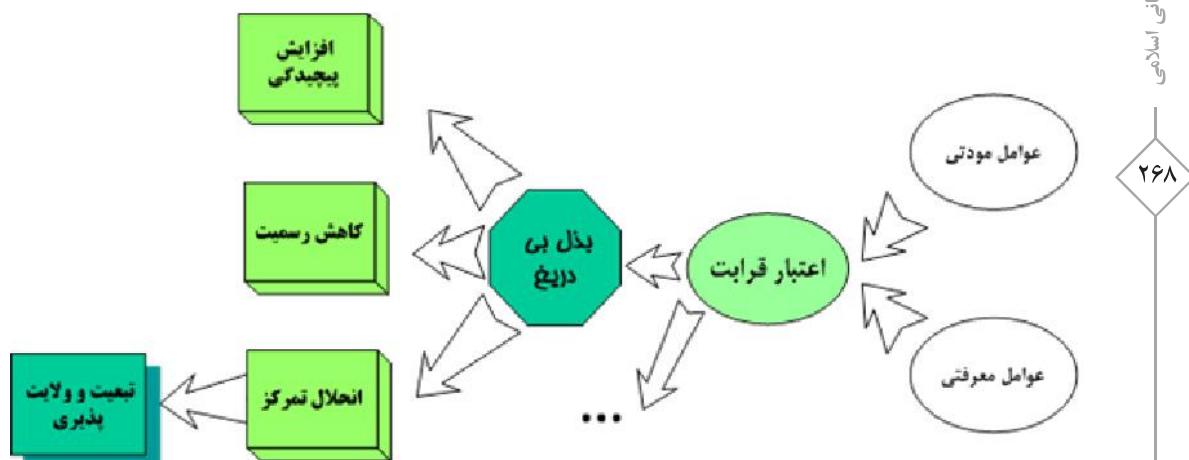
اثرات بذل بی دریغ را در ساحت ساخت و تغییر می توان این گونه تبیین کرد: در صورتی که از هیچ کدام از قرب انسانی و آفاقی غفلت نشود از تعینات ساختارهای سازمانی کاسته می شود؛ با توجه به بذل بی دریغ ناشی از قرابت محوری، افراد صرفاً به وظایف شغلی شان که مندرج در شرح شغل است محدود نخواهند بود، بلکه تا حدامکان برای کمک به دیگران اقدام خواهند کرد و درنتیجه، پیچیدگی بالا می رود. با توجه به اینکه ریشه مسئله رسمیت به کنترل باز می گردد و اساساً کنترل به معنای امروزی آن در نظریه سازمان و مدیریت بیش از هر چیز ناشی از تراحمات رقابت بر سر حصول منافع مادی است؛ بنابراین، می توان استبطاط کرد که این رسمیت کاهش می یابد. همچنین، مسئله تمرکز منحل می شود؛ چراکه ازسویی با استدلال سابق می توان اشاره کرد که «تمرکز» زمانی مسئله است که منافع فردی محوریت یابد و درنتیجه از طریق تمرکزِ تصمیم گیری در سطوح عالی سازمان، تراحمات را تدبیر کرد. حال آنکه با محوریت یافتنِ حرکت جمعی در پرتو قرابت محوری این تراحمات منحل و درنتیجه تمرکز از این جهت منحل می شود؛ ازسویی دیگر، با نظر به ضرورتِ تبعیت، چه در قرب آفاقی و چه در قرب انسانی به نظر می رسد در تحلیل سازمانی، مفهوم تمرکز جای خود را به مفاهیمی نظیر ولايت‌پذیری و تبعیت می دهد.

۵. نتیجه‌گیری

در اندیشه و جهان‌بینی اسلامی، کمال حقیقی خدای متعال است و همه کنش‌های فردی و اجتماعی در پی تحقق و وصول به این کمال حقیقی تدبیر می شود. وصول به این کمال حقیقی، اشتدادی و تدریجی است و آدمی به هر میزان که از وجود بهره‌مند باشد به همان اندازه به این حقیقت نزدیکی پیدا کرده و مجال و مظهر آن می شود. انسان که طی قوس نزول به مادون مراتب عالم هبوط کرده است با مکانیسم اعتباریات، قوا و استعدادهای خود را به منصه ظهور می رساند تا طی قوس صعود در نظام تشریع به حقیقت عالم بازگردد.

نتیجه تحقیق آن است که قرابت به حق سبحانه و تعالی در جهان‌بینی اسلامی در پرتو قرب آفاقی و انسانی محقق خواهد شد؛ قرب آفاقی در هسته اصلی خود قرب خانوادگی و سَبَبی است که در افقی بالاتر نمایندگی قرب انسانی را خواهد داشت و این قرب انسانی که در پرتو ولايت‌پذیری انسان کامل محقق می شود، موجب وصول به حق سبحانه و تعالی می شود. این روابط خانوادگی منحصر در انساب نیست بلکه مناطق قرب بیشتر، ایمان بیشتر است، تا آنجا که در روایات تقديمی اخوان المؤمنین بر انساب سفارش شده است. هر چه این قرب بیشتر می شود مرحمت افراد به

هم بیشتر می‌شود. از عوامل احصا شده قرب می‌توان استنباط کرد که در یک جامعه اسلامی نظیر سازمان اسلامی، حرکت و رشد جمعی است و این حرکت جمعی به خاطر منفعت شخصی و مادی توجیه نمی‌شود، بلکه به جای رقابت بر سر حصول منافع مادی، رقابت در قرابت شکل می‌گیرد. از ویژگی‌ها و عوامل قرب می‌توان گزاره‌های متعددی را برای تبیین اثرات قرابت محوری در عرصه سازمان نتیجه گرفت (شکل ۵). به عنوان نمونه یکی از این ویژگی‌های به دست آمده «بذل بی‌دریغ» است. این بذل بی‌دریغ به مثابه «اعتبار» محوری قرابت، عوامل دوگانه‌ای در ساحت اندیشه و انگیزه دارد که می‌توان با توجه به عوامل محصل قرب، از آنها با عنوان مودت و معرفت نام برد. می‌توان گفت در صورت محوریت یافتن قرابت در اعتباریات فردی و اجتماعی، از تعینات ساختار سازمانی کاسته می‌شود؛ با توجه به بذل بی‌دریغ ناشی از قرابت محوری، پیچیدگی بالا می‌رود. چراکه افراد محدود به وظایف مندرج در شرح شغل نخواهند بود و برای انجام هر کارِ محدودی «بذل بی‌دریغ» خواهند داشت. همچنین، رسمیت کاهش می‌یابد؛ زیرا منشأ رسمیت به کنترل بر می‌گردد. حال آنکه با فرادهش و تغییر معنای کمال، رقابت بر سر منافع مادی و تبعاً تراحمات ناشی از عالم ماده کاهش می‌یابد و درنتیجه، رسمیت کاهش خواهد یافت؛ افزون بر این، «بذل بی‌دریغ» پیش‌فرض عدم اعتماد را که یکی از بنیان‌های کنترل و تبعاً رسمیت است، تحت الشعاع قرار خواهد داد. همچنین، نظری استدلال پیشین مسئله تمرکز منحل می‌شود و به نظر می‌رسد در تحلیل سازمانی، مفهوم تمرکز جای خود را به مفاهیمی نظری ولايت‌پذیری و تبعیت می‌دهد.



شکل ۵. قرابت محوری؛ ساحت ساخت و تغییر

کتابنامه

١. قرآن کریم.
٢. آملی، ح. ۱۳۶۸. نقد النقود فيمعرفة الوجود (جامع الاسرار و منبع الانوار). تهران. شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
٣. _____. ۱۳۸۲. انوار الحقيقة و اطوار الطريق و اسرار الشريعة. قم. نور على نور.
٤. _____. ۱۴۲۲ الف. تفسیر المحيط الاعظم و البحر الاخضر فی تاویل کتاب الله العزیز المحکم. ج ۱. قم. العهد الثقافی نور على نور.
٥. _____. ۱۴۲۲ ب. تفسیر المحيط الاعظم و البحر الاخضر فی تاویل کتاب الله العزیز المحکم. ج ۲. قم. العهد الثقافی نور على نور.
٦. _____. ۱۴۲۲ ج. تفسیر المحيط الاعظم و البحر الاخضر فی تاویل کتاب الله العزیز المحکم. ج ۳. قم. العهد الثقافی نور على نور.
٧. ابراهیمی پور، ق. ۱۳۹۰. «روش‌شناسی اندیشه اجتماعی دورکیم، وینچ و علامه طباطبایی». معرفت اجتماعی و فرهنگی. ۲(۴). صص ۱۲۴-۱۰۳.
٨. ابن عربی، م. ۶۳۸. الفتوحات المکیه. ج ۳. بیروت. دار الصادر.
٩. ابن فارض، م؛ فرغانی، س. ۱۳۷۹. مشارق الدراری شرح تائیه ابن فارض. قم. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
١٠. ابن فهد حلی، ا. ۱۳۸۱. آداب راز و نیاز به درگاه بی نیاز. ترجمه عده الداعی و نجاح الساعی همراه با شرح اسماء الله. تهران. کیا.
١١. احسانی، م. ۱۳۷۹. «تربیت سیاسی کارگزاران در مدرسه امام علی علیه السلام». معرفت. ۳۹. صص ۲۱-۱۷.
١٢. ازگلی، م؛ عابدی جعفری، ح. ۱۳۸۷. «مروری بر سیر تحقیقات مدیریت اسلامی در ایران». مصباح. ۱(۱۷). صص ۵۲-۲۹.
١٣. اسکندری، ا. ۱۴۲۴. اللطائف الالهیه فی شرح مختارات من الحكم العطائیه لابن عطاء الله السکندری. بیروت. دار الكتب العلمیه.
١٤. اعتصامی، م؛ فاضلی کبریا، ح. ۱۳۸۸. «درآمدی بر الگوی مدیریتی امام علی علیه السلام از منظر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی». اندیشه مدیریت. ۶: صص ۱۲۸-۱۲۱.
١٥. اعرافی، ع. ۱۳۸۰. «نگرش به حکومت و مدیریت از منظر امام علی علیه السلام». روش‌شناسی

- علوم انسانی. ۲۶: صص ۴۵-۲۲.
۱۶. امام خمینی، ر. ۱۳۷۰. آداب الصلاة. تهران. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه الله عليه).
۱۷. امیری، ع. ۱۳۸۸. «مدیریت اسلامی رویکرد فقهی- اجتهادی». روش‌شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه). ۱۵(۱): صص ۱۲۸-۱۱۱.
۱۸. بابا رکنا، م؛ مظلومی، ر؛ همایی، ج. ۱۳۵۹. نصوص الخصوص فی ترجمة الفصوص. تهران. مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران- دانشگاه مک گیل.
۱۹. بشیر، ح. ۱۳۸۵. «سیمای کارگزاران در مدیریت اسلامی». اندیشه حوزه. ۶۱: صص ۱۶۰-۱۱۵.
۲۰. بهارستان، ج. ۱۳۸۳. «مطالعه تطبیقی مدیریت اسلامی و مدیریت رایج». مدرس علوم انسانی. ۸(۵): صص ۳۶-۱.
۲۱. پارسانیا، ح. ۱۳۸۳. هستی و هبوط. قم. نشر معارف.
۲۲. ———. ۱۳۸۹. روش‌شناسی انتقادی حکمت صدرایی. قم. کتاب فردا.
۲۳. ———. ۱۳۹۱. جهان‌های اجتماعی. قم. کتاب فردا.
۲۴. پیغمی، ع. ۱۳۸۷. «تحلیل مبادی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی مسئله عدالت در اندیشه استاد مرتضی مطهری (ره)». مطالعات اقتصاد اسلامی. ۱(۱): صص ۲۰۰-۱۷۳.
۲۵. تقسوی رفسنجانی، م. ۱۳۸۱. «نقش سلامت کارگزاران حکومتی در ثبات و کارایی نظام‌های سیاسی از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام». اندیشه صادق. ۸ و ۹: صص ۸۲-۷۸.
۲۶. توکلی، ع. ۱۳۹۱. «تحلیل جایگاه ارزش‌ها در مدیریت؛ گامی در نظریه‌پردازی مدیریت اسلامی». روش‌شناسی علوم انسانی. ۱۸(۷۱): صص ۱۱۷-۹۹.
۲۷. ثوابت، ج. ۱۳۸۰. «کارگزاران حکومت و راهکارهای اصلاحات». حکومت اسلامی. ۲۲: صص ۱۷۷-۱۴۷.
۲۸. جامی، ع. ۱۳۷۰. نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص. تهران. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۲۹. ———. ۱۳۸۳. اشعة اللمعات. قم. بوستان کتاب قم. انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۳۰. جوادی آملی، ع. ۱۳۸۶ الف. رحیق مختوم: شرح جلد اول اسفار (۱-۴). قم. اسراء.
۳۱. ———. ۱۳۸۶ ب. رحیق مختوم شرح جلد اول اسفار. شرح جلد اول اسفار (۱-۱). قم. اسراء.

۳۲. ج. رحیق مختوم شرح جلد اول اسفار. شرح جلد اول اسفار (۱-۳). قم. اسراء.
۳۳. ۱۳۸۸. شمس الوحی تبریزی. قم. اسراء.
۳۴. ۱۳۸۹. منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. قم. اسراء.
۳۵. چاوشی، س. ۱۳۸۸. «بررسی رویکردهای نظری به مدیریت اسلامی». پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم. ۱(۲). ص ۴۴-۵۳.
۳۶. حبیبی، ر. ۱۳۹۰. غرب‌شناسی مبانی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی مدرفتیه. زیر نظر سید احمد رهنما‌ی. قم. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله علیه).
۳۷. حسن‌زاده آملی، ح. ۱۳۷۵. هزار و یک کلمه. قم. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. مرکز انتشارات.
۳۸. حق‌پناه، ر. ۱۳۷۹. «فلسفه‌مندی حکومت از دیدگاه امام علی علیه السلام». اندیشه حوزه. ۲۶: صص ۱۵۸-۱۹۲.
۳۹. ۱۳۸۰. «شاپیسته‌سالاری در نظام علمی». اندیشه حوزه. ۳۲ و ۳۱: صص ۲۱۸-۱۹۱.
۴۰. خانی، ی. ۱۳۹۳. «ظرفیت تمدن‌سازی آموزه‌ولایت براساس نظریه انسان کامل از منظر سید حیدر آملی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران. دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۴۱. خزعلی، ا. ۱۳۸۱. «اصول چهارگانه حکومت از دیدگاه نهج البلاغه». نهج البلاغه. ۴ و ۵: صص ۶۱-۷۰.
۴۲. خسروپناه، ع. ۱۳۸۶. «آسیب‌شناسی دین‌پژوهی معاصر». کتاب نقد. ۴۴: صص ۱۳۰-۱۱۰.
۴۳. خنیفر، ح. ۱۳۸۴ الف. «ارائه الگوی مدیریت بومی مبتنی بر دیدگاه امام علی علیه السلام با استفاده از مدل مفهومی سه‌شاخگی». فرهنگ مدیریت. ۸: صص ۱۴۶-۱۰۱.
۴۴. ۱۳۸۴ ب. «تحلیل محتوای ادبیات مدیریت اسلامی با تأکید بر آثار منتخب». فرهنگ مدیریت. ۱۵۱: صص ۲۰۱-۱۵۱.
۴۵. دلشاد تهرانی، م. ۱۳۸۸. دلالت دولت: آیین‌نامه حکومت و مدیریت در عهدنامه مالک اشتر. تهران. دریا.
۴۶. رحمانی، م. ۱۳۷۹. «ملاک گزینش کارگزاران در حکومت علوی». حکومت اسلامی. ۱۸: صص ۲۳۷-۲۱۴.
۴۷. رستمیان، م. ۱۳۷۹. «وظایف و مسئولیت‌های حاکم در نگاه علی علیه السلام». حکومت اسلامی. ۱۸: صص ۱۲۵-۹۸.

۴۸. رضائیان، ع. ۱۳۸۷. مبانی سازمان و مدیریت. تهران. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۴۹. سبزواری خراسانی، م. ۱۳۸۶. شرح گلشن راز (سبزواری). تهران. نشر علم.
۵۰. سبزواری، م. ۱۳۷۴. شرح مشوی (سبزواری). ج. ۱. تهران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۵۱. سهراشی، ب؛ اعظمی، ا؛ بیدانی، ح. ۱۳۹۰. «آسیب‌شناسی پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه مدیریت اسلامی با رویکرد فراترکیب». چشم‌انداز مدیریت دولتی. ۶: صص ۹-۲۴.
۵۲. سید علی‌پور، س. ۱۳۸۳. «نقش تشویق و تبیه در مدیریت اسلامی». پژوهشگر. ۱(۱): صص ۹۴-۱۰۶.
۵۳. شاه‌آبادی، م. ۱۳۸۶. رشحات البحار. تهران. پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵۴. شیرازی، ص. ۱۳۸۵. الحاشیه علی الهیات الشفاء. قم. انتشارات بیدار.
۵۵. ——— ۱۳۸۶ الف. الحكمه المتعالیه فی اسفار العقلیه الاربعه. ج. ۹. قم. مکتبه المصطفی.
۵۶. ——— ۱۳۸۶ ب. الحكمه المتعالیه فی اسفار العقلیه الاربعه. ج. ۳. قم. مکتبه المصطفی.
۵۷. صدرالدین قونوی، م. ۱۳۷۱. النصوص. تهران. مرکز نشر دانشگاهی.
۵۸. صفی‌علیشاه، م. ۱۳۶۰. اسرار المعارف. تهران. اقبال.
۵۹. ——— ۱۳۷۱. عرفان الحق. تهران. صفی‌علیشاه.
۶۰. ——— ۱۳۷۸. تفسیر قرآن صفی علی شاه. تهران. منوچهری.
۶۱. طباطبایی، م؛ مطهری، م. ۱۳۷۲ الف. اصول فلسفه و روش رئالیسم. ج. ۱. تهران. صدرا.
۶۲. ——— ۱۳۷۲ ب. اصول فلسفه و روش رئالیسم. ج. ۲. تهران. صدرا.
۶۳. ——— ۱۳۷۲ ج. اصول فلسفه و روش رئالیسم. ج. ۳. تهران. صدرا.
۶۴. طباطبایی، م. ۱۴۲۸ ق. الانسان و العقیده. قم. باقیات.
۶۵. ——— ۱۳۷۴ الف. ترجمة الميزان فی تفسیر القرآن. ج. ۳. قم. دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیہ قم.
۶۶. ——— ۱۳۷۴ ب. ترجمة الميزان فی تفسیر القرآن. ج. ۱. قم. دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیہ قم.
۶۷. ——— ۱۳۷۴ ج. ترجمة الميزان فی تفسیر القرآن. ج. ۱۹. قم. دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیہ قم.
۶۸. ——— ۱۳۸۰. نهاية الحكمه. قم. مؤسسه النشر الاسلامی.

۶۹. ———. ۱۳۸۶. **نهايه الحكمه**. قم. مؤسسه النشر الاسلامي.
۷۰. عابدی جعفری، ح؛ تسلیمی، م؛ فقیهی، ا؛ شیخ زاده، م. ۱۳۹۰. «**تحلیل مضمون و شبکه مضماین: روشنی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی**». اندیشه مدیریت راهبردی. ۱۰: صص ۱۹۸-۱۵۱.
۷۱. عبدالرزاق کاشی، ع. ۱۳۸۰. **مجموعه رسائل و مصنفات**. تهران. مرکز نشر میراث مکتب.
۷۲. علی خانی، ا. ۱۳۸۹. «**تحلیل معناشناختی «قرب الى الله» در قرآن کریم**». قرآن شناخت. ۳(۱): صص ۱۴۴-۱۰۹.
۷۳. غراب، م. ۱۴۱۴. **الإنسان الكامل من كلام شيخ الأكبر**. دمشق. دار الكاتب العربي.
۷۴. فانی شیرازی دهدار، م. ۱۳۷۵. **رسائل دهدار**. تهران. مرکز پژوهشی میراث مکتب.
۷۵. فراهیدی، خ. ۱۴۱۰. **كتاب العين**. ج. ۵. قم. انتشارات هجرت.
۷۶. فروزنده دهکردی، ل؛ ملائی، ا. ۱۳۸۸. «**بررسی نظام ارزشی در مدیریت اسلامی و دیگر مکاتب**».
۷۷. راهبرد یاس. ۱۷: صص ۱۸۷-۱۶۶.
۷۸. فلاح سلوکلایی، م. ۱۳۸۴. «**سیمای کارگزاران دولت اسلامی از منظر امام علی**». معرفت. ۹۳: صص ۱۱۸-۱۰۲.
۷۹. قیصری، د. ۱۳۷۰. **شرح مقدمه قیصری بر فصوص الحكم**. تهران. امیرکبیر.
۸۰. ———. ۱۳۷۵. **شرح فصوص الحكم**. تهران. شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
۸۱. کریمی، ع. ۱۳۸۱. «**علی علیه السلام و نحوه نگرش به قدرت**». تاریخ اسلام. ۱۲: صص ۱۱۸-۸۹.
۸۲. کشوری، ا. ۱۳۷۱. «**نگرشی بر مدیریت اسلامی: اوصاف مدیر**». درسنایی از مکتب اسلام. ۱۱: صص ۵۸۶۱.
۸۳. کلاتری، ب؛ دانایی فرد، ح. ۱۳۷۸. «**در جستجوی پارادایمی برای مدیریت دولتی / آیا می‌توان از مدیریت دولتی اسلامی چیزی آموخت؟**». مصباح. ۸(۱): صص ۴۹-۷۶.
۸۴. گایینی، ا. ۱۳۸۲. «**پیشفرضهای معرفت‌شناسی در مدیریت اسلامی**». روش‌شناسی علوم انسانی. ۹(۴): صص ۱۰۹-۶۹.
۸۵. لاھیجی، م. ۱۳۸۱. **مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز**. تهران. نشر علم.
۸۶. ماندگار، م. ۱۳۷۹. «**نهج البلاغه و مبانی خط‌مشی گذاری در حکومت**». علوم سیاسی. ۱۱: صص ۲۱۰-۱۷۹.

۸۷. محسنی، ع. ۱۳۸۴. «امام علی علیه السلام و رویکرد مردمی به حکومت و خاستگاه آن». دانش سیاسی. ۱: صص ۱۵۸-۱۲۹.
۸۸. محمد زمانی، م. ۱۳۹۲. «تبیین مسئولیت اجتماعی سازمان». پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران. دانشگاه امام صادق علیه السلام. تهران.
۸۹. محمدی، م. ۱۳۹۲. «الگوی اسلامی ارتباطات با مشتری مبتنی بر رابطه اخوت». پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران. دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۹۰. مشتاق، ز. ۱۳۸۵. «خصوصیات یک مدیر لائق و شایسته از دیدگاه اسلام». توسعه مدیریت. ۷۲: صص ۴۲-۲۲.
۹۱. مصباح یزدی، م. ۱۳۸۵. پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی. قم. مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله علیه).
۹۲. ———. ۱۳۹۰. «شرح دعای مناجات المریدین در جست و جوی قرب الهی». معرفت. ۵-۱۰(۱۲). صص ۵-۱۰.
۹۳. ———. ۱۳۹۱. «پیشگامان مسیر قرب الهی». معرفت. ۲۱(۱): صص ۱۲-۵.
۹۴. مطهری، م. ۱۳۷۰. آشنایی با قرآن. ج. ۲. تهران. صدرا.
۹۵. مکولی، ج؛ جانسون، ف؛ دوبرلی، ج. ۱۳۸۹. نظریه سازمان: نگاه‌ها و چالش‌ها. ترجمه دانایی‌فرد، ح. تهران. انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۹۶. مهائیمی، ع. ۱۴۲۲. خصوص النعم فی شرح فصوص الحكم. بیروت. دار الكتب العلمیة.
۹۷. موسوی خلخالی، ص. ۱۳۸۳. شرح مناقب ابن عربی. قم. مطبوعات دینی.
۹۸. میرزا بابا شیرازی، ا. ۱۳۶۳. مناهج انوار المعرفه فی شرح مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه. تهران. خانقاہ احمدی.
۹۹. نادری قمی، م. ۱۳۷۸. قدرت در مدیریت اسلامی. قم. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله علیه).
۱۰۰. ناصری، ع. ۱۳۸۱. «نظرارت در حکومت علوی». معرفت. ۵۲: صص ۶۱-۵۶.
۱۰۱. نجات‌بخش اصفهانی، ع؛ شهریاری، ب. ۱۳۸۸. «مقایسه ویژگی‌های مدیریت از دیدگاه قرآن کریم با مدیریت از دیدگاه تئوری‌های غربی». پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم. ۱(۲): صص ۸۰-۷۳.
۱۰۲. نعمت‌الله ولی، ن. ۱۳۸۰. دیوان کامل حضرت شاه نعمت‌الله ولی. کرمان. خدمات فرهنگی

کرمان.

۱۰۳. نقی پورفر، ولی الله. ۱۳۷۷ الف. اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن. تهران. انتشارات مدیریت دولتی»).
۱۰۴. ۱۳۷۷ ب. بررسی شخصیت اهل بیت در قرآن. تهران. مرکز آموزش مدیریت دولتی»).
۱۰۵. نوایی، ع. ۱۳۸۲. «تصویری از کارگزاران در نظام اسلامی و بایدهای اخلاقی آن». اندیشه حوزه، ۴۳ و ۴۴: صص ۱۱-۸۷.
۱۰۶. نیومن، ل. ۱۳۸۹. شیوه‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کیفی و کمی. ج ۱. ترجمه دانایی‌فرد، ح. تهران. مؤسسه کتاب مهربان نشر.
۱۰۷. هج، م. ۱۳۸۹. تئوری سازمان؛ مدرن، نمادین - تفسیری، پست‌مدرن. ترجمه دانایی‌فرد، ح. تهران. مهربان نشر.
۱۰۸. هوشنگی، ح. ۱۳۹۰. «نظریه ادراکات اعتباری و فلسفه‌های مضامن». حکمت معاصر. ۹۷-۱۰۶: صص ۲(۲).

109. Abbasi,A. 2008. **Role of Islamic leadership in value based corporate management**. (doctor of philosophy in Management Sciences). National university of modern languages Islamabad.
110. Achour,Mand Boerhannoeddin A. 2011. **The role of religiosity as a coping strategy in coping with work-family conflict and achieving employees' well-being**. Paper presented at the International Conference on Social Science and Humanity. Singapore.
111. Azni Ahmad, F. 2012. “**Philosophical underpinnings of Islamic management method: worldview,epistemology and ontology**”. International journal of humanities and social science.2(20). p 150-161.
112. Babaei, M, Vazifeh Damirchi,Q, and Sharifi, S. 2012. “**analysis of cultural management competencies with emphasis on the Islamic perspective**”. Singaprean Journal of business economics, and management studies.1(4). p 40-45.
113. Boyatzis, R. E. 1998. **Transforming qualitative information: thematic analysis and code development**. London: Sage.
114. Denzin, N. K. & Lincoln, Y. S. (Ed.). 2000. **Handbook of qualitative**

- research. Thousand Oaks, CA: sage.
115. Eskandarzadeh, A, Farajollahi, M, Nasiri, P, Moeni Kia, M. 2011. **“Ways to enhance job motivation of managers in Ardabil”**. World applied sciences journal. 14(8). p 1179-1185.
116. Hoque, N, Hasmat Ali, M.D,Mofizur Rahman Al-Azhari, B.M. 2013. **“Islamic resurgence movements in Bangladesh: Experiences from Iran and Turkey”**. World journal of Islamic history and civilization. 3(2). P 73-84.
117. Imran HaiderNaqvi, Kanwal Bilal, Muhammad Usman Y, D, S. 2012. **“Religious perspective in knowledge management rationalizes business”**. World applied sciences journal. 19(2). p 223-228.
118. Mazliza, M, Azlinor, S, Nor Asiah, M. 2013. **Advocating Islamic values and principles in the management of STRATA schemes in Malaysia: some notes for consideration**. Paper presented at the international conference on business and economic research (4TH ICBER 2013) proceeding. golden flower hotel. Bandung. Indonesia.
119. Mohiuddin, G. 2013 a. **“Mechanism of controlling from divine sources”**. Human resource management research. 3(3). p 106-108.
- 120.———2013 b. **“Religions views on industrialization and entrepreneurship: A study in Islamic perspective”**. Human resource management research. 3(3). p 101-105.
121. Muhammad U, Sami, N, Ehsan, F, Hameed Mobeen, A, Khan, J, Rahim. 2011. **High level principles of time management in Islam**. Paper presented at the international conference on sociality and economics development. Singapore.
122. Rafiki, A, Wahab, K. 2013. **Measuring entrepreneurs' satisfaction-from Islamic perspective: A study on small firms in North Sumatera, Indonesia**. Paper presented at the international conference on business and economic research (4TH ICBER 2013) proceeding. golden flower hotel. Bandung. Indonesia.

راهبرد معناشناصی در پژوهش‌های مدیریتی در قرآن

سارا رنجبر

کارشناس ارشد مدیریت آموزش و معارف اسلامی.

s.ranjbar67@gmail.com

مریم مهدوی کنی

دکترای فقه و حقوق اسلامی، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع). تهران. ایران.

mahdavikani@gmail.com

چکیده

مطالعات میان‌رشته‌ای با تأکید بر علوم انسانی، عرصه‌ای است که طی سال‌های گذشته توجه بسیاری از دانشمندان و محققان را جلب کرده است. البته یکی از مسائل عمده برای محققانی که وارد این عرصه شده‌اند، روش و فرایند پژوهش است. معرفی و تبیین روشی متقن و اتکاپذیر در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای مدیریت اسلامی با تأکید بر منبع غنی و ارزشمند قرآن کریم هدف اصلی این پژوهش است. بدین منظور ضمن بررسی اجمالی مفهوم تدبیر، مطالعات میان‌رشته‌ای مدیریتی با صبغة قرآنی طی دهه اخیر، بررسی راهبردها و روش‌های پژوهش و تدبیر در قرآن تبیین شد. راهبردهای بررسی شده پژوهش و تدبیر در قرآن شامل راهبرد آیه محور، راهبرد سیاق محور، راهبرد سوره محور، راهبرد داستان محور و راهبرد مسئله محور است. هریک از راهبردهای ذکر شده، کارکردها، فرایند و نقاط قوت و ضعفی دارد که در این مقاله به آنها اشاره شده است. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته می‌توان ادعا کرد که پژوهش و تدبیر در قرآن فرایند واحدی ندارد بلکه براساس هدف و